

آب هیرمند؛ منافع ملی در قربانگاه روابط منطقه‌ای (۵۱-۱۳۳۰ ش)

آب هیرمند از ایام گذشته همواره به عنوان معضلی در روابط ایران و افغانستان وجود داشت. در مقاله پیشین (آب هیرمند؛ مشکلی دیرین، پاسخی نوین؛ ۳۰-۱۳۲۴ ش) بیان شد که در نتیجه فعالیت کمیسیون بین‌المللی بی‌طرف هیرمند و نیز نظر مثبت کارشناسان ایرانی و افغانی، راهکار کهن (تقسیم بالمناصفه آب) جای خود را به راه‌حلی نوین (تحويل میزان مشخصی آب از سوی افغانستان به ایران) داد. از سال ۱۳۳۰ به بعد، مذاکرات و تلاش‌های گسترده‌ای برای تدوین یک سند قطعی بین دو کشور بر مبنای راه‌حل فوق انجام شد که مقاله حاضر به بررسی این تلاش‌ها اختصاص یافته است. در این مقاله رأی صادره از سوی کمیسیون بی‌طرف را مرور خواهیم کرد و سپس با استفاده از مدارک و اسناد موجود روند کوشش‌های انجام شده بررسی خواهد شد.

گزارش دکتر خوشبین:

یکی از اعضای هیأت ایرانی عضو کمیسیون بی‌طرف هیرمند - که در واکنشگتن تشکیل جلسه داد - دکتر خوشبین بود که گزارش مفصلی از او درباره بررسی آراء کمیسیون در اختیار است. با توجه به مفاد گزارش^(۱) دکتر خوشبین این گونه به نظر می‌رسد که دعاوی مطروحه از سوی ایران در کمیسیون به دو قسمت اصلی و فرعی تقسیم می‌شود. دعاوی اصلی را دو موضوع: «۱. قبول حق تقدم آب مصرفی سیستان و ۲. اصل تقلیل نسبی آب در مواقع خشکسالی برای هر دو کشور» تشکیل می‌داد.

۱. قبول حق تقدم آب مصرفی سیستان

چکیده مطالب مطرح شده از جانب هیأت ایرانی در کمیسیون چنین می باشد:

دولت ایران معتقد است که از زمان حکمیت مک ماهون - که مورد قبول ایران واقع نشده است - به بعد در مدت تقریباً پنجاه سال تمام آبی که باید به سیستان برسد، نرسیده و به واسطه عملیات دولت افغانستان در مسیر علیای رود هیرمند و توسعه زراعت در نواحی مزبور و ایجاد چندین نهر مانند نهر سراج و نهر بغرا مقدار آبی که به سیستان می رسیده رو به کاستی گذاشته و در نتیجه سطح کشت در سیستان کاهش یافته است. در صورتی که مطابق قانون و مقررات بین المللی، آبی که قبلاً به مصرف کشت در سیستان می رسیده بر جمیع مصارفی که بعداً ایجاد شده است، حق تقدم دارد. بعلاوه دولت افغانستان نباید مبادرت به عملیاتی نماید که موجب نکس آب سهمی سیستان شود و حال آن که مبادرت به چنین عملیاتی شده است، از قبیل حفر دو نهر مذکور در فوق و بستن سد کجکی که در سالهای اخیر شروع نموده و هنوز تمام نشده است و تاثیر عملیات مزبور به ضرر ایران و موجب کم شدن آب سیستان است.^(۲)

کمیسیون بی طرف این ادعای ایران را مورد تأیید قرارداد و در موارد متعددی از گزارش خود به آن اشاره نموده است.^(۳)

ولی نکته اصلی در اینجا میزان آب مصرفی مورد احتیاج سیستان است؛ موضوعی که محور اصلی اختلافات دو کشور را تشکیل می داد. در خصوص میزان آب مصرفی سیستان نخست میزان سطح زیرکشت در آن منطقه می بایست مشخص می شد. «کمیسیون مک ماهون مجموع سطح کشت را در سیستان در حدود ۱۴۹ هزار آکر^(۴) برآورد نمود که ۱۲۸۵۹۷ آکر شتوی [زمستانه] و بقیه مختص محصول صیفی [تابستانه] بوده است. در گزارش کمیسیون بی طرف سطح زیرکشت سیستان جمعاً در حدود ۱۵۰ هزار آکر برآورد شده است و در نظریات فنی، آقایان مهندس راجع به این موضوع چنین اظهار عقیده نموده اند: رقم کمیسیون برای سطح کشت فعلی سیستان نزدیک به حقیقت است. در گزارشی که در فوریه ۱۹۵۰/ بهمن ۱۳۲۸ بنگاه آبیاری به آقای جونز، منشی کمیسیون بی طرف داده است دو رقم سطح کشت معین شده، یکی در سالهای خشک متوسط که [در اصل جا خالی] آکر برآورده شده و دیگر برای سالهای بارانی متوسط که [در اصل جا خالی] آکر منظور گشته است.

آب هیرمند؛ منافع ملی در قربانگاه روابط منطقه‌ای (۵۱-۱۳۳۰ ش) ●

موضوعی که راجع به تعیین میزان سطح کشت مهم می‌باشد، موضوع آیش زمین است که کمیسیون در بند ۴۰ گزارش خود چنین نوشته: طبق معمول آبیاری در ناحیه دلتا هر سال فقط یک سوم از اراضی - که به وسیله نهرها آبیاری می‌شود - زیر زراعت است و بقیه زمین به صورت آیش باقی می‌ماند. همچنین در بند ۶۶ گزارش مزبور نوشته شده: طبق اظهار نمایندگان دهات در حضور کمیسیون در زابل آبیاری معمول در سیستان در هر سال منحصر به یک سوم زمینهای قابل آبیاری می‌باشد. بنابراین احتمال می‌رود که به طور متوسط در هر سال فقط یک سوم زمینها آبیاری شده باشد. در نظریات فنی راجع به آیش نوشته است: با اینکه با اطمینان کامل نمی‌توان درباره این موضوع اظهار نظر نمود و این امر مستلزم تحقیقات بیشتری است معهداً طبق اطلاعات کلی تصور می‌رود که نظر کمیسیون دور از حقیقت نباشد. و چون موضوع آیش تأثیری در تعیین مقدار سطح کشت دارد و تحقیق آن هم بسیار سهل و آسان است باید فوراً در سیستان به وسیله اداره کشاورزی این موضوع از زارعان تحقیق و روشن شود.^(۵)

پس از تعیین وضعیت میزان سطح کشت در سیستان، بایستی میزان آب مصرفی آن منطقه مشخص شود. در این باره در گزارش دکتر خوشبین آمده است: «این موضوع مهمترین مسأله‌ای است که مورد نظر دولت ایران می‌باشد و در طول سنوات متمادی که اختلاف بین ایران و افغانستان راجع به رود هیرمند به وجود آمده همیشه اظهار دولت ایران این بوده که به واسطه عملیات افغانها در مسیر علیای رودخانه و توسعه کشت در افغانستان مقدار سهمی آب سیستان کمتر شده و از این جهت ضرر زیادی به سیستان وارد شده است. راجع به اینکه چه مقدار آب در سابق به ایران می‌رسیده رقم صریحی از طرف دولت ایران در سابق معین نشده بود تا اینکه کمیسیون بی طرف برای رسیدگی به اختلاف دولتی نسبت به هیرمند تشکیل شد. در این موقع دو رقم از طرف نمایندگان ایران به کمیسیون داده شد، یکی را بنگاه کل آبیاری در فوریه ۱۹۵۰ به آقای جونز، منشی کمیسیون در تهران داد و برای شش ماه از سال که از ماه ژوئیه شروع و به ماه دسامبر (از نیمه تیر تا نیمه دی) ختم می‌شود برای هر ماه در سالهای خشک مقداری معین نموده که این رقم بیشتر مربوط به احتیاجات فعلی است و رقم دیگری که از روی گزارش مک ماهون استخراج و در واشنگتن به کمیسیون بی طرف هیرمند داده شد و در آن قید گردید که مقدار آبی است که در آن زمان در انهار ایران وارد می‌شد و بیشتر از رقمی است که بنگاه کل آبیاری صورت

داده بوده است.

کمیسیون بی طرف با اینکه اصولاً پذیرفته است مقدار آبی که در قدیم به سیستان می رسیده فعلاً هم باید برسد ولی ارقامی را که در گزارش مک ماهون آمده، قبول نکرده و ارقامی که بنگاه کل آبیاری برای سالهای خشک متوسط تعیین نموده، مأخذ قرارداده و مقداری هم از آن کم کرده است؛ بگونه ای که مقدار آبی که کمیسیون برای احتیاجات آبیاری سیستان کافی دانسته حتی کمتر از میزانی است که افغانها حاضر بوده اند در سالهای مرطوب به ایران بدهند.

مک ماهون مقدار آبی را که در ماههای زراعتی (مهر، آبان و آذر) به انهار سیستان وارد می شده ۱۵۱۲ فوت مکعب در ثانیه نوشته است و بنگاه کل آبیاری برای مهر ۵۴۰ و برای آبان ۸۴۰ و برای آذر ۱۴۷۵ فوت مکعب تقاضا نموده، در صورتی که کمیسیون برای مهر ۱۵۰ و برای آبان ۳۸۰ و برای آذر ۶۹۰ فوت مکعب در نظر گرفته و آن را برای احتیاجات سیستان کافی دانسته است.

اتخاذ این نظریه از طرف کمیسیون می تواند ناشی از امور زیر باشد:

الف) چون کمیسیون مقدار سطح کشت سیستان را مجموعاً در حدود ۱۵۴ هزار آکر تشخیص داده است (فصل ششم گزارش از بند ۵۸ تا ۸۱) مقدار آب لازم برای آبیاری آن و سایر مصارف را به میزانی که تعیین نموده، کافی دانسته است.

ب) هنگام دیدار کمیسیون از سیستان - که در ماه نوامبر و فصل زراعت بود - کمیسیون مشاهده کرد که آب سهمی ایران هرز می رفته و بدون اینکه به مصرف زراعت برسد به دریاچه هامون می ریخته و این موضوع را در بند ۱۴۹ گزارش خود چنین نوشته است: خلاصه اینکه در نتیجه این عدم همکاری در نوامبر ۱۹۵۰ مقادیر زیادی آب بدون اینکه مورد استفاده مفیدی واقع گردد به دریاچه های ایران - که سطح آنها کاملاً بالا آمده بود - می ریخت، در صورتی که در افغانستان نهرهای خشک دیده می شد و کشت گندم به تعویق افتاده بود.

بی شک این موضوع در اظهار نظر کمیسیون بی تاثیر نبوده و شاید این وضعیت در هنگام بررسی کمیسیون عمده از طرف افغانها ایجاد شده و یا در نتیجه غفلت مأموران بوجود آمده است.

ج) کمیسیون به گزارش فوریه ۱۹۵۰ بنگاه کل آبیاری - که به آقای جونز، منشی کمیسیون در

آب هیرمند؛ منافع ملی در قربانگاه روابط منطقه‌ای (۱۳۳۰-۵۱ ش) ●

تهران داده شده است - راجع به اتلاف آب استناد نموده و عین عبارت گزارش مزبور را در بند ۴۸ به این شرح نقل نموده: کافی است گفته شود که در ایران حتی مقدار مختصر آبی که جهت آبیاری وجود دارد با بی‌اعتنایی به هدر می‌رود و مقدار آبی که مآلاً برای آبیاری به زمین می‌رسد فقط یک کسر کوچک از مقدار آب موجود است. و اظهار عقیده کرده: به طور کلی آبیاری به طریقی که در سرتاسر ناحیه دلتا متداول است جز اتلاف آب چیزی نیست و این امر بخوبی در گزارش سال ۱۹۵۰ دولت ایران به عنوان «مایحتاج سالیانه آب جهت آبیاری سیستان» به عبارت مذکور در فوق تصریح شده است. همچنین در آخر این بند هم اظهار کرده: اتلاف آب - که در حین مسافرت اعضای کمیسیون در ناحیه دلتا مشاهده شد - از نوعی است که ناشی از کم توجهی و غیرکافی بودن وسایل آبیاری است و نباید از جمله اتلافات اجتناب‌ناپذیری که معمولاً با هر طرح آبیاری همراه است، محسوب گردد.

د) به عقیده کمیسیون خرابی و انحطاطی در وضع آبیاری پیدا شده بگونه‌ای که در زمان حاضر وضعیت آبیاری در سیستان به مراتب بدتر از ایام سابق و مخصوصاً زمان مک ماهون شده است و به این جهت آب زیادی بی‌جهت تلف می‌شود. چنانچه کمیسیون در بند ۴۴ گزارش خود به این موضوع چنین اشاره می‌کند: امری که جالب توجه است خرابی و انحطاط مسلمی است که در وضع نهر بندی به وجود آمده و این موضوع از مطالعه توصیفی که در گزارش آبیاری سیستان از نهرهای فرعی شده بخوبی روشن می‌گردد.^(۶)

ه) در زابل هنگامی که کمیسیون از دهقانان تحقیق می‌کرد، هیچ یک اظهار نکرده‌اند که در ایام سابق بیشتر آب به سیستان می‌رسید و به این جهت سطح کشت ما زیادتر بود و در اثر کم رسیدن آب در مضیقه افتاده و کشت هم کمتر می‌کنیم. در صورتی که رعایای چخانسور در افغانستان اظهار داشته‌اند که به واسطه کم شدن آب تعداد بسیاری از خانواده‌ها از چخانسور کوچ کرده‌اند.^(۷) نکته فرعی اما مهم دیگری که در ارتباط با میزان سهمیه آب ایران نقش داشت، میزان تلفات آب به علت تبخیر و یا فرورفتن آب در زمین و غیره از هنگام ورود به نهر تا محل مصرف است. کمیسیون میزان تلفات آب را «صدی پنجاه معین نمود در صورتی که مأموران فنی ایرانی آن را صدی هفتاد دانسته‌اند». چون در گزارش فنی^(۸) نوشته شده: تفاوت بین پنجاه درصد و هفتاد درصد تلفات بیش از بیست درصد نیست ولی مقدار آبی که به مأخذ هفتاد درصد تلفات

حساب می‌شود ۶۶ درصد بیش از مقدار آبی خواهد بود که به مأخذ پنجاه درصد محاسبه می‌شود. همچنین میزان آب مصرفی اهالی را - که در گزارش فنی شش تا ده برابر مقداری که کمیسیون معین کرده دانسته‌اند - دلیل آن را مطابق رویه معمولی در دنیا از روی آمار مربوط به این موضوع استخراج کرده‌اند.^(۹)

۲. اصل تقلیل نسبی آب هیرمند به هنگام خشکسالی برای هر دو کشور

این موضوع دیگر درخواست اصلی ایران را تشکیل می‌داد. موضوع دیگر آن که به هنگام خشکسالی افغانستان آب را در قسمت علیای رودخانه می‌گیرند و مانع از رسیدن آن به قسمت‌های سفلی می‌شوند و در نتیجه ضرر، تنها متوجه سیستان ایران می‌شود. در صورتی که به هنگام خشکسالی هم اگر مضیقه‌ای از حیث آب حاصل می‌شود باید طرفین به نسبت سهمی که دارند، متحمل خسارت شوند نه اینکه یک طرف چون در بالای رودخانه است بکلی آب را مصرف کرده و طرف دیگر به استناد اینکه در قسمت پایین رودخانه واقع شده بکلی از آب محروم شود.^(۱۰) این درخواست ایران نیز مورد تأیید کمیسیون بی‌طرف قرار گرفت و در قسمت آخر بند ۱۹۹، مربوط به رعایت حق تقدم این عبارت بیان شده است: و سالهای کم آبی هم به نسبت این حق تقدم تقلیل می‌یابد.^(۱۱)

در همین رابطه دولت ایران از دولت افغانستان درخواست کرد از دست زدن به عملیاتی در قسمت علیای رود هیرمند که موجب نکس آب سهمی ایران می‌شود، خودداری کند. نسبت به این موضوع کمیسیون به طور مبهم و کلی و گاهی متناقض اظهار عقیده نمود، اگر چه این اصل را اصولاً پذیرفت و در مورد نهر بغرا عمران و آبادی تپه و ماهور بغرا را پیش از اتمام سد کجکی به شرطی مجاز دانست که موجب کمی آب دلتا نشود (بند ۲۱۱). همین شرط را نسبت به استفاده از سد کجکی در بند ۲۱۲ و ۲۱۹ تکرار می‌کند و در قسمت آخر بند ۲۲۱ گزارش، کمیسیون اظهار می‌نماید که اقدامات عمرانی اراضی بغرا تا هنگامی که موجودی منظمی از آب در اثر به کار افتادن سد کجکی تأمین نشده از طرف دولت افغانستان باید با احتیاط پیشرفت کند.^(۱۲)

نکته اساسی در این قسمت اظهار نظر کمیسیون در مورد ادعای ایران درباره «تأثیر منفی

● آب هیرمند؛ منافع ملی در قربانگاه روابط منطقه‌ای (۵۱-۱۳۳۰ ش)

عملیات افغانی‌ها بر روی رود هیرمند، بر زارعت سیستان در ۵۰ سال اخیر از ۱۲۸۰ تا ۱۳۳۰ شمسی است. در این مورد از مجموع گزارش کمیسیون که در مورد مقدار آبی که به سیستان می‌آید و همچنین سطح کشت آن - که در مدت پنجاه سال تغییری نکرده و حتی سطح زیر کشت در سیستان پنج هزار جریب هم علاوه گشته - چنین استفاده می‌شود که عملیات مزبور را مضر برای آب سهمی سیستان و موجب نکس آن ندانسته است. (۱۳)

موضوعات فرعی

بنا به اظهار دکتر خوشبین در هنگام مذاکرات کمیسیون در واشنگتن، ایران سه موضوع: ۱. مشارکت ایران در ساخت و بهره‌برداری از سد کجکی؛ ۲. عملیات مشترک اندازه‌گیری آب هیرمند توسط دو کشور؛ ۳. احداث مجاری آب در چخانسور برای آبرسانی به منطقه رام رود سیستان، را به دعاوی خود اضافه کرد. (۱۴)

دربارۀ موضوع اول یعنی مشارکت ایران در ساخت و بهره‌برداری از سد کجکی دولت ایران بیان می‌داشت: چون سد کجکی سیلابهایی را که به سیستان می‌آید و در دریاچه هامون می‌ریزد، ذخیره می‌نماید طبعاً و حقاً دولت ایران در آب اضافی - که در نتیجه بستن این سد حاصل می‌شود - سهیم است و البته به تناسب مقداری که استفاده نماید حاضر است در پرداخت مخارج ساختمان سد مزبور شرکت نماید. (۱۵)

ادعای ایران درخصوص استفاده از سیلابهای هیرمند در سالهای بعد همواره در مذاکرات دو طرف از سوی هیأت ایرانی مطرح می‌شد ولی در مورد آن توافقی بدست نمی‌آمد.

در این موضوع کمیسیون صریحاً اظهار عقیده نکرده و فقط در فصل یازدهم - که مربوط به اساس و مبنای مهندسی فنی برای موفقیت دوجانبه می‌باشد - پس از آنکه پیشنهاد می‌نماید قرارداد موقتی پنج ساله بسته شود و در این مدت اطلاعات لازم دربارۀ رابطه بین مقدار جریان آب در قسمت علیای رودخانه و مقدار آبی که به دلتا می‌رسد، بدست خواهد آمد. در بند ۲۲۰ اظهار عقیده نموده: در آن موقع ممکن است دربارۀ احتیاجات آبی سیستان برای اجرای نقشه‌هایی که ممکن است عملی به نظر برسد و به استناد آمار طولانی‌تری از جریان رودخانه مذاکره کرد. همچنین در فصل دوازدهم مربوط به توصیه‌ها در ضمن بند ۲۲۱ چنین ابراز می‌دارد:

توسعه در آبیاری ناحیه دلتا به غیر از آنچه مربوط به پیشرفت‌های فوق‌الذکر باشد بایستی موقوف به هنگامی شود که تأثیر مخزن کجکی در جریان رودخانه معلوم می‌گردد.^(۱۶)

در رابطه با عملیات مشترک اندازه‌گیری آب هیرمند توسط هر دو کشور، نمایندگان ایران در جلسات کمیسیون مطرح کردند: چون از رود هیرمند، ایران و افغانستان استفاده می‌نمایند رود مزبور مشترک است و باید به وسیله کمیسیون دایمی مرکب از نمایندگان طرفین اداره شود و کلیه عملیات از قبیل اندازه‌گیری آب در نقاط مختلف آن و سایر اقداماتی که لازم است، به وسیله این کمیسیون انجام شود.^(۱۷) در این رابطه هم کمیسیون اظهار عقیده صریح نکرد و فقط در مورد ساختن ایستگاههای اندازه‌گیری، راجع به دو ایستگاه اظهار نظر می‌نماید که باید مشترکاً ایجاد شود. در بند ۲۲۱ در قسمتی - که راجع به ایجاد ایستگاههای اندازه‌گیری است - نوشته شده: ایستگاههایی که باید به وسیله دولت‌های افغانستان و ایران ایجاد شوند: ۱. روی رود هیرمند در بالای کوهک و ۲. روی رود مشترک در پایین کوهک. طبیعی است ایستگاهی که به وسیله دولتین ساخته می‌شود، مشترکاً هم اداره می‌گردد؛ ولی راجع به سایر قسمت‌های رودخانه کمیسیون به هیچ وجه اظهار عقیده نکرد.^(۱۸)

و بالاخره کمیسیون در رابطه با ادعای ایران در این باره که چون یک قسمت از اراضی سیستان (ناحیه رام رود) از مجرای فعلی مشروب نمی‌شود، پس افغانستان باید اجازه دهد در محلی که از نقطه نظر فنی مناسب باشد، ایران به خرج خود نهرهایی احداث و از آب سهمی خود در آنها جاری و اراضی مزبور را مشروب نماید، مطلقاً اظهار نظر نکرد.^(۱۹)

تلاش‌های دولت دکتر مصدق

با آغاز سال ۱۳۳۱ افغانستان، هیرمند و رأی کمیسیون بی‌طرف بین‌المللی در مورد آن، در وزارت امور خارجه ایران مورد توجه جدی قرار گرفت. رهاورد این توجه، تشکیل یک کمیسیون و تهیه گزارشی با عنوان «مسائل و موضوعات ارتباطی با افغانستان» در اوایل اردیبهشت ۱۳۳۱ بود. در بخشی از این گزارش درباره آب هیرمند آمده است: در موضوع آب هیرمند حسب المقرر در چند جلسه کمیسیون مربوط به این امر - که در وزارت امور خارجه تحت ریاست جناب آقای معاون کل تشکیل گردیده - شرکت نموده و اوراق پرونده مربوطه را

● آب هیرمند؛ منافع ملی در قربانگاه روابط منطقه‌ای (۵۱-۱۳۳۰ ش)

مورد بررسی قرار داد... در نتیجه مطالعات مزبور به نظر می‌آید که آراء کمیسیون بی‌طرف (آمریکایی)، نسبت به مقدار آب مورد احتیاج و مصرف شخصی اهالی سیستان و برای دواب آنها و نسبت به مقدار آبی که در مسیر رودخانه و مجاری تا رسیدن به مزارع تلف شده، مقدار کمتر از آنچه در حقیقت است قلمداد شده ... شاید مناسب باشد از اینکه آراء کمیسیون مزبور الزام‌آور نمی‌باشد و حکم توصیه و سفارش را دارد، استفاده نماییم و برای اینکه در آینده نگویند که ما در این مورد نیز بر اساس وساطت بین‌المللی نمی‌خواهیم حل و فصل دعاوی بنماییم،^(۲۰) از حالا کلیه دلایل و تخمین‌های صحیح‌تری که از بابت حقوق سیستان به آب هیرمند در دست داریم، در رد آراء مذکور کمیسیون بی‌طرف به آن کمیسیون اظهار داریم و رونوشت آن را برای دولت آمریکا - که اشعار داشته آراء این کمیسیون اساس مذاکرات دو طرف را تشکیل می‌دهد - اعلام کنیم.^(۲۱)

از سویی دیگر در همان زمان سفارت ایران در کابل طی تلگراف رمزی هشدار می‌دهد: اتصالاً به واسطهٔ بارندگی پیاپی، هیرمند ممکن است طغیان نماید. مستدعی است مراتب را به اداره کل آبیاری سیستان اطلاع دهند. نتیجهٔ پیگیری بنگاه آبیاری در آخر اردیبهشت ماه اعلام شد. در سالهای پیش از طغیان آب، دهات چندی از قبیل بهرام‌آباد، قلعه کتل، کول، کخا، عباسیه، سیاه‌سر، و حتی دهنو و کریاسک در معرض خطر و آب بردگی واقع می‌شده، لیکن در سال جاری مراقبت و بیداری مأموران آنجا مفید و مؤثر واقع گردیده [بگونه‌ای] که دهات مزبور تاکنون از خطر طغیان محفوظ و به هیچ نقطه‌ای خسارتی وارد نشده است.^(۲۲)

گزارش سرهنگ صفاپور

ولی گزارش بنگاه آبیاری با توصیفی که از وضعیت آبیاری سیستان در رسالهٔ «مسألهٔ هیرمند» که در همان زمان از سوی سرهنگ صفاپور در تهران انتشار یافت، تا اندازه‌ای مغایرت داشت. سرهنگ صفاپور - که در حد فاصل سالهای ۸-۱۳۲۲ چهار سال مرزبان ایران در منطقهٔ زابل بوده و آشنایی کاملی با منطقه داشت - در رسالهٔ خود نکات، دقایق و ظرایف جالبی از سیستم آبیاری در سیستان را بیان می‌کند. وی دربارهٔ علل عدم استفاده از آب هیرمند در ایران بیان می‌دارد:

گذشته از تزییقاتی که افغانها جهت حقایقه ایران در رودخانه هیرمند فراهم می‌سازند اصولاً آن مقدار آب هم که به ایران می‌رسد به واسطه نبودن سد در رودخانه «نه‌ور آب»، رود اصلی زابل قسمت مهمی از آن بی‌مصرف به دریاچه هامون می‌ریزد و یا اتفاق می‌افتد که زراعت و باغات اهالی در کنار رودخانه از بی‌آبی خشک و نابود می‌شود و مردم با آب چاه زندگی می‌کنند. لیکن آب رودخانه «نه‌ور آب» در پیش چشم آنان موج می‌زند و به هدر می‌رود و اهالی نمی‌توانند از آن استفاده کنند.

اگر چه ریختن آب به دریاچه هامون چندان بی‌ثمر نیست و علوفه سالیانه احشام مخصوصاً گاوهای زابل و عایدی صیادان و حصیریافان زابل را تامین می‌نماید، لیکن وقتی آب به زابل برسد هر چند هم که سدبندی شود، همان فاضلاب جهت نی‌زار و دریاچه کافی است و اضافه بر فاضلاب بی‌مصرف است.

مردم زابل برای آب‌برداری از رودخانه همه ساله با زحمات و مخارج زیاد و با تهیه کردن شاخه از درختان گز - که در ایران کم شده و باید از افغانستان تهیه کنند - مدتی مشغول بستن بند کوهک و بند زهک می‌شوند و چون زمین اطراف رودخانه ماسه‌زار و سست است بستن این سدها بسیار مشکل می‌باشد و غالباً پس از بستن سد، مجدداً آب رودخانه‌ها زیاد شده و سدها را از جای کنده و می‌برد و کشت و کار مردم در مواقع حساس بی‌آب و خشک می‌شود و باز مجدداً مردم برای بستن سد زحمات و مخارج زیاد متحمل می‌شوند؛ آن هم آیا آب به موقع به زراعت برسد یا نرسد؟

اغلب مشاهده می‌شود که درختان هنگام گل یا هنگامی که میوه آنها کال یا نارس است بی‌آب و نابود می‌گردند و زحمات چندین ساله زارعان از بین می‌رود. بعلاوه چند سال دیگر درختهای گز هم تمام می‌شود و آن وقت چوب و شاخه‌ای نیست که همین سدهای ناقص و بی‌دوام هم بسته شود. همچنین در زمستان و بهار سیل‌های عظیمی در رود هیرمند جاری می‌شود که گذشته از اینکه بی‌مصرف به دریاچه هامون می‌ریزد، اغلب باعث خسارت زیاد و خرابی دهات و مزارعات می‌گردد و اگر این سیلابها را در محل و منبعی ذخیره کنند هیچ وقت زابل بی‌آب نخواهد بود.

سرهنگ صفاپور درباره سدسازی بر روی هیرمند در رساله خود توصیه می‌کرد:

● آب هیرمند؛ منافع ملی در قربانگاه روابط منطقه‌ای (۵۱-۱۳۳۰ ش)

برای سدسازی و ذخیره آب بایستی دو سد محکم و بتونی که درپچه‌های کشویی داشته باشد در حدود بند کوهک و در حوالی بند زهک ساخته شود که از بند و سد کوهک دهستانهای میان‌کنگی و پشت‌رود مشروب و از سد بندی زهک شهر زابل و دهستانهای نارویی و شهرکی و شیب آب سیراب گردند و مردم از کم آبی و تهیة شاخه و زحمت بی‌ثمر سالیانه آسوده و از مخارج بیهوده و طاقت‌فرسا در عذاب نباشند. ساختمان این سدها فعلاً شروع شده ولی نیمه‌تمام مانده است.

و نیز به وسیله سدبندی، منبعی برای ذخیره سیلابها در حدود چاه نیمه (مغرب بند کوهک) و در مشرق قلعه نو - که مهندسان کشاورزی و آبیاری هم آنجا را بررسی کرده و برگزیده‌اند - یا در محل مناسبتری تهیه شود که آب در آنجا ذخیره و در موقع کم‌آبی و خشک شدن رودخانه، مردم از آب ذخیره استفاده کنند.

سرهنگ صفاپور در بخشی از رساله خود به موضوع مهاجرت مردم از سیستان - که پیامد مستقیم بحران آب در آن منطقه به شمار می‌رفت - اشاره کرده و این موضوع را مورد بررسی قرار می‌دهد: همه ساله به هنگام کم‌آبی - که رعایای زابل بضاعتی ندارند و دسترسی به مایحتاج یومیّه پیدا نمی‌کنند - افغانها درصدد ترغیب و تشویق رعایای ایران بر می‌آیند که به افغانستان کوچ کنند. مثلاً در سالهای ۶-۱۳۲۴ که در زابل بودم به هر یک از رعایای ایرانی که به افغانستان کوچ می‌کردند، خوانین افغانی ۵۰ من به سنگ زابل (سیصدکیلوگرم) در بدو ورود غله می‌دادند و نصف این غله رایگان بود و نصف دیگر را بابت کارگر و زراعت سالیانه محسوب و در سر خرمن پس می‌گرفتند. در اثر همین تشویق‌ها عدّه زیادی از ایرانیان به افغانستان کوچ می‌کردند و از جمعیت قواء مرزی ایران کاسته و به جمعیت دهات مرزی افغانستان افزوده می‌شد. مثلاً یکی از قواء مرزی افغانستان قریه خوابگاه نزدیک مرز بند کوهک ایران می‌باشد. در سال ۱۳۲۲ میرزا دوست محمد ایرانی ساکن زاهدان که در آن حدود مشغول قاچاقچی‌گری و کارمند دادگستری زاهدان هم بوده به افغانستان کوچ و افغانها قریه خوابگاه را به او دادند که آباد کند. در آن وقت در خوابگاه دو سه خانوار دزد زندگی می‌کرد و بکلی ویران بود. میرزا دوست محمد در قریه خوابگاه سکونت نمود و خوانین افغانی هم به او کمک می‌کردند و او هم با وسایل مختلف مردم را تشویق و از ایران به خوابگاه کوچ داد تا جایی که در سال ۱۳۲۶ در

خوابگاه چهارصد خانوار زارع سکونت داشتند و میرزا دوست محمد از قاچاقچی گری و زراعت، شخص متنفذ و ثروتمندی شده است.

گزارش شرکت موریسون نودسون

تقریباً همزمان با انتشار رساله «مسأله هیرمند» در تهران گزارش مشابهی توسط شرکت آمریکایی موریسون نودسون، مجری طرحهای آبیاری بر روی هیرمند در افغانستان، در کابل انتشار یافت. گزارش مزبور، متن نامه‌ای از شرکت موریسون نودسون است که در یکی از روزنامه‌های کابل چاپ شد. این گزارش با شرح وضعیت سد ارغنداب آغاز می‌شود: بند ارغنداب به بلندی نهایی خود تکمیل شده و اکنون آب ذخیره تخمیناً دو ثلث بلندی، ۳۲ متر بند را اشغال کرده است. پروژه بند ارغنداب را به استثنای کارهای خرده‌ریز، انجام شده باید پنداشت... برج دروازه کنترل بند تکمیل شده و جراثقال دروازه تعبیه و نصب شده است ولی ماشین برقی که برای به کار انداختن دروازه بند خریداری شده، نرسیده است ولی به مجرد رسیدن موتور مذکور به جای خود نصب خواهد شد. والوهای لازمه در تعمیر والوخانه منصوب و بیش از یک ماه است به کار افتاده است.^(۲۳)

در مورد سد کجکی، خاک‌اندازی حصه میانی بند به بلندی ۹۹۰ متر از سطح بحر [رودخانه] رسیده که در حدود ۳۵ متر از صخره «نهر آب» می‌شود. ولی سنگ‌اندازی دو جانب بند قدری بیشتر است. در رابطه با وضعیت سد کجکی، در ادامه گزارش شرح از سیل بهاره‌ای که در سال ۱۳۳۱ در هیرمند جاری شد، ارائه می‌شود: سیل امساله که بالغ بر ۳۰۰۰۰ فوت مکعب در ثانیه بود از دو دانه تونل که در کجکی قبلاً گذارده شده بود، عبور کرده و جهیلی (ارتفاعی) که سیل مذکور تشکیل داد به بلندی ۹۷/۲ متر از سطح بحر بود که نسبت به بند نیم کاره هیجده متر پایین تر بود. گمان نمی‌رود امسال سیل دیگری بزرگتر از سیل مذکور بیاید و از بالای بند نیم کاره بگذرد. لذا گفته شده که بند کجکی می‌تواند از خطر سیل برآید.^(۲۴)

در مورد نهر بغرا براساس گزارش شرکت موریسون نودسون، ۴۸ کیلومتر از ۶۶ کیلومتر طول نهر حفر شده و تأسیسات جانبی از قبیل نصب سایفون‌ها و آماده‌سازی دهانه‌های آبیاری تا پانزده کیلومتر انجام شده است. علاوه بر آن در منطقه نادعلی، جوی‌های فرعی و جوی‌های

● آب هیرمند؛ منافع ملی در قربانگاه روابط منطقه‌ای (۵۱-۱۳۳۰ ش)

آبیاری و دهنه‌ها، سایفون‌ها عملاً انجام یافته و جوی فرعی نمره ۴۰ و نمره ۴۳ باقی مانده است و در حدود ۱۶ هزار جریب زیرکاشت است. (۲۵)

گزارش واحد مرزبانی و پاسخ افغانی‌ها

انتشار گزارشهایی در ارتباط با وضعیت بحرانی سیستان و هیرمند، فعال شدن دستگاههای ذریبط دولتی ایران را به همراه داشت. نخستین تحرک جدی از سوی واحد مرزبانی سیستان انجام گرفت. این واحد برای بررسی وضعیت دو طرف نوار مرزی ایران در سیستان، مأموری را به آن منطقه اعزام کرد. استوار اخلاقی، مأمور اعزامی، گزارش نسبتاً مفصلی از وضعیت منطقه مورد بررسی خود تهیه کرد. بخشی از این گزارش به موضوع شبکه آبرسانی و وضعیت زمین‌های زیر کشت نواحی مرزی ایران و افغانستان در سیستان اختصاص دارد. در قسمتی از گزارش او آمده است:

۱. قراء شمالی میان کنگی که در حدود مرز واقع گردیده، چند سال است به واسطه نرسیدن آب به موقع از زراعت عقب افتاده و اهالی آن در نتیجه انفصال و فقر و فلاکت فوق العاده به اطراف متواری گردیده و طبق اطلاع صحیحی که به وسیله گاوداران مقیم بشولبر بدست آمده چندین خانوار برابر صورتجلسه پیوست^(۲۶) به خاک افغانستان مهاجرت و در قراء مرزی منطقه فیض آباد افغانی به شغل درودگری و مزدوری مشغول گردیده و به بدبختی و تکدی زندگی می نمایند.

۲. قریه کوهک، میلک، دهنو و توابع آن نیز به واسطه مسدود شدن نهر آنها از شن روان و عدم استطاعت اهالی قادر به لارویی نهر مزبور نبوده و در سال جاری زراعتی نداشته‌اند. مردم این قراء بی نهایت مستأصل و پریشان احوال بوده کما اینکه بنده یک شب را در قریه دهنو میلک به سر بردم. وضعیت زارعان و مالکان این قریه به اندازه‌ای اسف‌آور بود که هر بیننده را متأثر می ساخت. این قریه در سالهای گذشته یکی از دهات خوب و آباد میان کنگی بوده و اکنون چند سال است که شن روان، نهر آن را از بین برده و چنانچه از طرف کشاورزی و آبیاری زایل برای رساندن آب به این قبیل قراء از بین رفته، اقدام سریعی مبذول نگردد، طولی نخواهد کشید که اهالی باقیمانده این قراء نیز که از هستی ساقط و به نان شب محتاج شده‌اند، به خاک افغانستان متواری گردند. (۲۷)

در ادامه گزارش او به موضوع استفاده افغانی‌ها از آب هیرمند اشاره کرده و بیان می‌کند: موقعی که از خط مرزی حدود ده دوست محمد به سمت تفالک رهسپار بودم مشاهده شد که شاه نهر دوست محمد از دو نقطه آب آن وارد نهر سخیر افغانی می‌باشد. قسمت اول از یک کیلومتری شمال شرقی ده دوست محمد و قسمت دوم از مقابل پاسگاه محمدافغانی، تقریباً یک کیلومتر شرق تفالک. معلوم نیست چه دستهایی توی کار است که متصدیان آبیاری راضی هستند حقایق رعایای لب تشنه مرزنشین ایرانی به نفع رعایای کشور بیگانه تمام شده و هموطنان آنها که به بیچارگی به سر می‌برند از استفاده آن محروم بمانند.^(۲۸) استوار اخلاقی در قسمتی از گزارش خود مدعی فعالیت آمریکایی‌ها در سیستم آبرسانی هیرمند در منطقه چخانسور افغانستان می‌شود:

۱. اخیراً از طرف دولت افغانستان در یک کیلومتری شمال پاسگاه سنگی، آب پخشی روی نهر شاهی به وسیله مهندسان آمریکایی با وسایل جدید به طور اتوماتیکی تهیه که مبلغ هنگفتی هزینه آن شده است که فعلاً مدت یک ماه است ساختمان آن خاتمه و مورد استفاده قرار گرفته است.

۲. در بین جونو [جوی نو] و نهر «قلعه فتح»، محلی است به نام تایه گی که در لب هیرمند واقع شده است. اخیراً از طرف کارگران آمریکایی در نظر گرفته شده است که رودخانه جدیدی در محل مزبور حفر نموده و سدهای اساسی بسته شود تا کلیه منطقه چخانسور از این رودخانه مشروب گردیده و دیگر احتیاجی به رود مشترک مرزی پیدا نمایند. برای شروع به ساختمان این رودخانه از کلیه علاقه‌داری‌های منطقه چخانسور از بیگارات [کارگران بی‌مزد] خواسته شده و تمام وسایل موتوری و ادوات رودخانه بغرا که ساختمان آن خاتمه شده به قلعه کنگ، مرکز چخانسور آورده شده است و قریباً شروع خواهد گردید.

۳. شاه نهری که منطقه بند کمال خان را مشروب نموده، اخیراً تبدیل به رودخانه شده و تا محل تراکو (شش کیلومتری مرز بین تاسوکی و چاه کندوک) آباد شده است و بعلاوه آبادی‌های دیگر نیز در اطراف آن تشکیل شده که بایستی با اعزام اشخاص فهمیده محل‌ها و انهاری که از رود بند مجزا می‌شود اطلاعات کافی بدست آورد. اینک با تقدیم یک برگ کروکی رودخانه هیرمند و انهاری که در داخل منطقه چخانسور مجزا می‌شود و به طور تقریبی ترسیم گردیده^(۲۹) جهت

● آب هیرمند؛ منافع ملی در قربانگاه روابط منطقه‌ای (۱۳۳۰-۵۱ ش)

استحضار خاطر عالی به پیوست تقدیم و به عرضی می‌رساند با کوشش‌هایی که از طرف افغانه در پیشرفت عمران و آبادی منطقهٔ مرزی معمول می‌گردد، صرفنظر از اینکه آب زابل بزودی خشک خواهد شد، اهالی مرزنشین ایرانی نیز - که عموماً بی‌بضاعت و بیچاره می‌باشند - به خاک افغانستان مهاجرت خواهند کرد کما اینکه اغلب زارعان منطقهٔ چخان‌سور افغانی از مهاجران سیستانی بوده که از سالهای گذشته تا حال به خاک آن دولت پناهنده شده‌اند.^(۳۰)

با توجه به فضای سیاسی حاکم بر جامعهٔ آن روز ایران این قسمت از گزارش استوار اخلاقی حساسیت مقامات ایرانی را برانگیخت و دستور پیگیری موضوع از طریق مرزبان زابل صادر شد. مرزبان مذکور در ۲۵ خرداد ۱۳۳۱ در اعتراض به آنچه که فعالیت آمریکایی‌ها در چخان‌سور می‌نامید، نامهٔ تندی خطاب به کمیساریای (مرزبان) چخان‌سور افغانستان نوشت. چند روز بعد کمیساریای چخان‌سور پاسخ جالبی به نامهٔ مذکور داد که از حیث آشنا شدن با دیدگاه مقامات افغانی در مورد آب هیرمند و سیستان، قابل توجه می‌باشد:

شکایت آن مرزبانی محترم در خصوص حفر رودخانهٔ جدیدی به وسیلهٔ مهندسان آمریکایی در محل تایه‌گی بین قلعه فتح و جوی نو، بکلی عاری از حقیقت است و لکن از نقطه نظر اینکه رعایای دولت پادشاهی افغانستان به نسبت عمیق گردیدن رود سیستان، مناصفهٔ آن حصهٔ خود را - که در پروتکل سال ۱۳۱۵ در بین نقاط بند کمان‌خان و تخشک تعیین گردیده است - گرفته نمی‌توانند، چنانچه همین حالا آب رود هیرمند رو به قلت گذاشته و ممکن است در همین روزهای نزدیک بکلی خشک شود و به واسطهٔ حدوث همین قلت آب در اکثر قریه‌جات این مناطق سبز برگ‌ها تماماً خشک گردیده و در بعضی قریه‌جات آب خوراکی به مشکل دستگیری می‌کنند.

پس از روی ناچاری البته مجبورند رعایای افغانی نهرشاهی و دیگر نهرهای قدیمی خود را لای‌کشی [کنند] تا با مقداری آب زراعتی به عمل بیاورند. چون این اقدامات راجع به لای‌کشی نهرهای قدیمی رعایای افغانی بر خلاف مندرجات پروتکل سال ۱۳۱۵ - که تاکنون مندرجات آن نزد مقامات مربوطهٔ دولتی محترم شمرده می‌شود - واقع نمی‌گردد، بنا نیست آن دستدار شکایت بی‌موردی در این باره بنماید. همچنان که رعایای دولت شاهنشاهی ایران به لای‌روبی نهرهای خود آزادند. البته تصدیق خواهید فرمود درخصوص اینکه رعایای افغانی نهرهای

قدیمی خود را که روی لای رویی بنمایند - به مقابلشان نیز مانعی سد راه شده نمی‌تواند و طبق مندرجات پروتکل سال ۱۳۱۵ می‌زند، شناخته آب حصه خود که در خاک خود از هر کجا که مورد احتیاج باشد، می‌برند، ولی آن دوستدار اطمینان داشته باشند که با هر گونه کوشش و مساعی که از طرف رعایای افغانی در خصوص لای رویی نهرهایشان به عمل بیاید، چون رود سیستان زیاد عمیق و به طور تخمین بعد از بند کمال‌خان، صدونودمتر مکعب مقدار عمومی آب هیرمند در رود سیستان و دیگر نهرهای ایرانی جریان می‌نماید، باز هم برای رعایای افغانی ممکن و میسر شده نمی‌تواند که از رود هیرمند در نقاط بندکمال‌خان و تخشک در حالی که پنجاه درصد از مقدار عمومی آب هیرمند حق دارند، بیست و پنج درصد هم گرفته بتوانند و این واضح می‌سازد که آن دوستدار مندرجات متن پروتکل سال ۱۳۱۵ را در نظر نگرفته و شکایت بی‌موردی را به این کمیسیون فرستاده‌اند. راجع به قرارداد بهمن ۱۳۱۷... این قرارداد اعتبار قانونی ندارد. (۳۱)

تشکیل کمیسیون ویژه در وزارت امور خارجه

چند ماه پس از مکاتبات فوق در تهران وزارت امور خارجه برای بررسی موضوع آب هیرمند در اواخر مهرماه جلسه‌ای با حضور عده‌ای از مقامات و افراد صاحب‌نظر تشکیل داد. در این جلسه آقایان: تبین، دکتر قاسم‌زاده، اسدالله اعلم، خزیمه اعلم، ضیاءالدین قریب، دکتر خوشبین، مهندس تشکری، محسن شاه‌رخی، سرگرد باقری، جواد قدیمی، مهندس ذوالفقاری، منفعت، مهندس مهینا حضور داشتند. (۳۲) مهمترین موضوع مطرح شده در این جلسه بررسی پاسخ ایران در قبال رأی صادره از سوی کمیسیون بی‌طرف هیرمند بود. پذیرش رأی مذکور توسط دولت افغانستان مشکل مهمی را برای ایران ایجاد کرده بود. به نظر می‌رسد پیش از تشکیل جلسه، رأی کمیسیون مورد بررسی دکتر خوشبین قرار گرفته و نتیجه آن در جلسه مطرح شد. دکتر خوشبین نتیجه بررسی خود را مطرح کرد. وی رفتار ایران در قبال رأی کمیسیون را در سه مقوله رد کامل، قبول کامل و یا برخورد تصحیح‌کننده دسته‌بندی کرد:

نسبت به رد و قبول گزارش کمیسیون بی‌طرف سه رویه ممکن است اتخاذ شود که ذیلاً هر یک را شرح داده و راجع به آن اظهار عقیده می‌شود:

۱. ممکن است دولت ایران به استناد اینکه اظهار عقیده کمیسیون بی طرف جنبه مشورتی دارد و قبول آن الزامی نیست بکلی آن را رد نماید. اتخاذ چنین رویه‌ای صحیح به نظر نمی‌رسد زیرا علاوه بر آنکه قسمت‌هایی از گزارش مزبور - بگونه‌ای که شرح داده شد - به نفع ایران است و بخشی از دعاوی ما را تصدیق نموده‌اند مقدار آبی هم که در نظر گرفته شده طبق نظر متخصصان فنی ایران برای سطح کشت فعلی سیستان کافی است، از این جهت دولت ایران چیزی از دست نمی‌دهد. اصولاً رد گزارش کمیسینی که جنبه بین‌المللی دارد از نظر سیاسی مصلحت نیست و مخصوصاً در این هنگام دستاویزی به نفع بیگانگان خواهد شد و علیه ما تبلیغ خواهند نمود که دولت ایران حاضر به هیچ‌گونه حل مسالمت‌آمیز اختلافات خود نمی‌باشد و علاوه بر گزارش، کمکی به پیشرفت نظریات و حل اختلاف دولتین نخواهد کرد و معلوم نیست بعداً به کدام مرجع باید مراجعه نمود و نتیجه مراجعه چه خواهد بود؟ علاوه بر هر مرجعی که قرار شود رسیدگی نمایند به این گزارش مراجعه و استناد خواهد شد.

۲. گزارش کمیسیون بی طرف بی هیچ قید و شرطی پذیرفته شده و به دولت افغانستان اطلاع داده شود که براساس آن حاضر به مذاکره می‌باشیم. اتخاذ این رویه نیز مصلحت نیست زیرا - بگونه‌ای که توضیح داده شد - بخشهایی از گزارش به ضرر ما می‌باشد و بخشهای دیگری از آن هم مجمل و مبهم و محتاج است که توضیح داده و روشن شود.

۳. طریقه سوم این است که پیش از آغاز به مذاکرات در اطراف مسائلی که در گزارش کمیسیون مبهم است و اشتباهاتی که به نظر ما کمیسیون در اظهار عقیده خود نموده از کمیسیون توضیح خواسته شود. ضمناً موضوعاتی را که از نظر ایران بسیار مهم است و تاثیر زیادی در مقدار آب و همچنین سطح کشتی - که کمیسیون برای ما در نظر گرفته است - دارد، از قبیل میزان تلفات آب و یا آیش زمین‌های زراعتی در سیستان و میزان آب لازم برای مصرف اهالی، ماموران صلاحیت‌دار تحقیقات کافی کرده و راجع به تلفات آب اندازه‌گیری‌های لازم را بنمایند تا پس از بدست آوردن دلایل و اطلاعات کافی و همچنین روشن شدن قسمت‌های مبهم و رفع اشتباهاتی که در گزارش شده است، برای توافق نظر در عقد قرارداد با دولت افغانستان وارد مذاکره شویم.^(۳۳) براساس ارجح دانستن رفتار تصحیح‌کننده نسبت به رأی کمیسیون نسبت به دیگر شقوق رفتاری، دکتر خوشبین موارد مبهم موجود در رأی کمیسیون را چنین بر می‌شمارد:

موردی که در گزارش کمیسیون مبهم و یا مبنی بر اشتباه است و باید توضیح خواسته شود به قرار زیر است:

الف) نسبت به طرز توزیع آب در ماههای مختلف سال با وجود اینکه کمیسیون در بند ۱۴۶ گزارش خود نسبت‌های مندرج در گزارش بنگاه آبیاری را قبول نموده، در جدولهای شماره ۸ و ۱۰ گزارش، نسبت‌های مزبور را کاملاً رعایت نکرده و در نتیجه در ماههای تابستان و پاییز اندکی کمتر از آنچه طبق محاسبه بدست می‌آید به عنوان آب مورد احتیاج سیستم در نظر گرفته شده و حتی با ارقام خود آن جداول مطابقت ندارد و دارای اشتباهی است.

ب) راجع به عقیده کمیسیون که اظهار نموده آب هیرمند نسبت به گذشته در دلتا تغییر نکرده است و در نظریات فنی بر مخدوش بودن این نظر استدلال شده است و مقایسه‌ای که کمیسیون نموده، غلط دانسته‌اند.

ج) مقدار آبی که کمیسیون برای مصرف اهالی معین نموده فوق‌العاده کم و مقدار معمولی و عادی که در سایر نقاط دنیا در نظر می‌گیرند از شش تا ده برابر میزانی است که کمیسیون در نظر گرفته است.

د) مقدار آبی که برای پنبه و لوبیا و باغات در نظر گرفته شده از حد معمولی کمتر است.

ه) مقصود از مصرف سنواتی مفید که در چندین مورد در گزارش کمیسیون ذکر شده است، چیست؟

و) با آنکه کمیسیون در گزارش خود تذکر داده که اطلاعات و نقشه‌هایی راجع به میزان سطح کشت دلتا در سابق در دسترس کمیسیون گذاشته نشده و با مدت فوق‌العاده کم توقف کمیسیون در دلتا و یک پرواز سطحی هم ممکن نیست سطح کشت سابق را به دست آورد، چگونه کمیسیون تشخیص داده میزان کشت از سابق تغییر نکرده و حتی در قسمت سیستم در حدود پنج هزار جریب هم علاوه شده است و همچنین چگونه تشخیص داده که در افغانستان در ناحیه بغرا توسعه جدیدی داده نشده است. زیرا با یک پرواز ممکن نیست معلوم گردد که اراضی قبل از دلتا از چندین سال پیش آبیاری می‌شده و بعلاوه معلوم نیست مقصود از عبارت (چندین سال پیش) چیست؟ پیش از زمان مک ماهون است و یا پس از آن. (۳۴)

در برابر وجود چنین ابهاماتی به عقیده دکتر خوشبین دولت ایران باید به فوریت

● آب هیرمند؛ منافع ملی در قربانگاه روابط منطقه‌ای (۵۱-۱۳۳۰ ش)

اقدامات زیر را انجام دهد:

۱. برای تعیین مقدار حقیقی تلفات آب باید فوراً اندازه‌گیری‌های لازم در محل به عمل آید و وسایل آن از هر جهت فراهم شود.

۲. تحقیق راجع به اینکه زمین‌های زراعتی سیستان در دو آیش یا سه آیش کاشته می‌شود. زیرا این موضوع در تعیین میزان سطح کشت تأثیری مهم دارد.

۳. جلوگیری از انهدام و برانداخته شدن جنگل‌های گز در سیستان و مخصوصاً منع استعمال آن برای سوخت کارخانه برق زابل و مصرف در دکانهای نانویی. زیرا بگونه‌ای که کمیسیون در بند ۵۲ و ۵۵ گزارش خود شرح داده از بین رفتن این جنگل‌ها موجب این می‌شود که شن‌های متحرک در سیستان بیشتر شود و در نتیجه زمین‌های زراعتی سیستان در زیر شن فرو رفته و از بین خواهد رفت. بگونه‌ای که کمیسیون پیشنهاد کرده برای جلوگیری از شن متحرک ممکن است در اراضی سیستان نوعی علف به نام Thatching - که در بی‌آبی طاق دارد و مخصوص نواحی گرم است و موجب تثبیت زمین می‌شود - کاشته شود.

۴. صورت جلسات مذاکرات نمایندگان دولتین در واشنگتن که منتهی به موافقت و امضای دستورالعمل کار کمیسیون شده است ترجمه و در دسترس همه آقایان اعضای کمیسیون دائمی هیرمند گذاشته شود. زیرا نظریات طرفین و مخصوصاً منویات نمایندگان افغانستان از مراجعه به آن کاملاً معلوم و ذهن آقایان اعضای کمیسیون روشن می‌شود.

علاوه بر موارد فوق دکتر خوشبین بر دریافت ضمانتی از افغانستان برای تحویل آب به ایران نیز تأکید می‌کند.^(۳۵)

با وجود ترکیب مناسب اعضای کمیته مذکور و جهت‌یابی صحیح آن، بحران‌های شدید سیاسی داخلی ایران در نیمه دوم ۱۳۳۱ و سرتاسر ۱۳۳۲ مانع از ادامه کار کمیته و اساساً توجه به معضل هیرمند و سیستان در ایران شد.

تداوم تلاش‌ها در سالهای ۳۶-۱۳۳۲

تا اینکه از اواخر ۱۳۳۲ بار دیگر سیستان در کانون توجه دولت ایران قرار گرفت. اعزام کمیسیونی به منطقه برای بررسی امور مرزی، نقطه آغاز تحرک ایران در قبال حل معضلات

سیستان بود. پس از بازگشت کمیسیون به تهران در ۱۶ فروردین ۱۳۳۳، سفارت ایران در کابل با ارسال نامه‌ای به وزارت امور خارجه افغانستان با بیان این خبر که «میله‌های سرحد بین مرز ایران و افغانستان در قسمت سیستان و سایر نواحی که سالیان متمادی است تعمیر و مرمت نگردیده مشرف به از بین رفتن و محو شدن می‌باشند و حتی در بعضی نقاط بگونه‌ای محو شده که موجب گمراهی رعایای مرزنشین و مأموران مرزی طرفین می‌گردد»، خواهان تشکیل هیأت مختلطی مرکب از مهندسان و مأموران مطلع و بصیر از هر دو طرف برای بازدید و تعمیر میل‌های اصلی و فرعی مزبور شد. بی پاسخ ماندن نامه مذکور طی ماههای بعد سبب تجدید آن در اوایل مردادماه همان سال شد. (۳۶)

وقوع خشکسالی

صرفنظر از علائم مرزی، مشکل کم‌آبی هیرمند به عنوان مهمترین عامل ذی دخیل در تحولات منطقه، بار دیگر خود را نمایان ساخت. از اواسط اسفند ۱۳۳۲ بحران کم‌آبی در سیستان بتدریج وارد مراحل جدی‌تر شد. در اواخر فروردین ۱۳۳۳ وزیر دفاع ملی با ارسال نامه‌ای به وزارت امور خارجه اعلام کرد: به قرار اطلاع اهالی مرزنشین زابل که عموماً مردمانی زحمتکش و زارع بوده و از این راه امرار معاش می‌نمایند اخیراً به علت کمبود آب و جلوگیری از [جریان آن از] طرف افغانستان دچار مضیقه مالی و زراعتی گردیده‌اند و به منظور ترمیم زندگی و رفع این مضیقه با عائله خود به سمت گرگان و خراسان و سایر نقاط کشور کوچ می‌نمایند. بررسی این مشکل به عهده آقای بهنام، رایزن جدید سفارت ایران در کابل واگذار شد که در راه عزیمت به محل مأموریت، به زابل مسافرت کند. او در چهارم خرداد ۱۳۳۳ وارد زابل شده و به مدت چهار روز وضعیت آبرسانی منطقه را مورد بررسی قرار داده و سپس پس از ارسال گزارشی به تهران، عازم کابل شد. (۳۷)

در همان زمان واحد مرزی اداره مرزبانی سیستان گزارش داد: طبق تحقیقاتی که از متنفذان مرزنشین افغانستان شده و اطلاعات کسب شده از دوایر موجود در قلعه کنگ و افسران مرزی حاکی است طبق دستور رسیده از کابل به متصدیان و مهندسان مأمور حفاظت سد کجکی، چنانچه در کوههای اطراف سد کجکی از این به بعد بارندگی شود و برفهای موجود

● آب هیرمند؛ منافع ملی در قربانگاه روابط منطقه‌ای (۵۱-۱۳۳۰ ش)

کوهها آب شد و آب برف به طور وسیع به داخل سد روان شود و احتمال خراب گردیدن سد برود، در آن هنگام کلیه دهانه‌های سد کجکی بایستی بازگردد.

البته در چنین وضعیتی همه گونه خطر سیل‌زدگی و آب بردگی متوجه سیستان خواهد بود و در صورت نباریدن باران، البته به همین طریقی که فعلاً دهانه‌های سد بسته شده است و هیچ گونه خطری پیش‌بینی نمی‌گردد، به همین نحو باقی خواهد ماند.^(۳۸)

البته همزمان با وقایع فوق در خرداد ۱۳۳۳، به دنبال انجام تحقیقاتی پیرامون رؤیت تعدادی ماشین‌های آمریکایی در حوالی مصب هیرمند، مشخص شد ۱۲ دستگاه ماشین‌های موردنظر، متعلق به مهندسان آمریکایی بوده که پس از خاتمه سدسازی (بر روی کجکی در افغانستان) با وسایل مربوطه به علاقه چخان‌سور افغانی وارد و مشغول نقشه‌برداری شده و قصد دارند که در پایین قلعه فتح و چهار برجک افغانستان رود هیرمند را سدسازی نمایند.^(۳۹) گزارش دیگری بیان می‌کند: نقشه‌برداران آمریکایی جهت نقشه‌برداری و برای رسانیدن آب رود هیرمند به چخان‌سور عمل کرده و محل دائمی آنان نیز خوابگاه در افغانستان است.^(۴۰)

مجلس سنا و آب هیرمند

مجموعه این رویدادها دست به دست هم داد و سبب طرح موضوع هیرمند و سیستان در مجلس سنا شد. هنگامی که در اوایل اردیبهشت ۱۳۳۳ سپهد زاهدی کابینه و برنامه دولت خود را به مجلس تازه گشایش یافته سنا معرفی کرد، آقای فرخ، سناتور انتخابی سیستان با استناد به بند اول برنامه کابینه او مبنی بر «سیاست خارجی دولت مبتنی بر احترام و دوستی متقابل با تمام همسایگان و ملل آزاد جهان» رفتار دولت افغانستان را مورد انتقاد شدید قرار داد:

آقایان مستحضر هستند که در تمام ۲۵ سال گذشته راجع به موضوع هیرمند سفرای ایران بحث کردند، مذاکره کردند و بالاخره نتیجه این شد که امروز دارد سیستان خشک می‌شود. البته آقای رئیس الوزراء مستحضر هستند که افغانها یک مبلغی فرستادند در سیستان در شیب آب، پشتاب، نازوکی و کلنگی به مردم بگویند آقا هیرمند نیست. بلند شوید بیایید به افغانستان، به شما زمین می‌دهیم. صد روپیه هم مجانی می‌دهیم. اینجا کاری نیست. تا حالا البته به استحضار آقا رسیده است که سی و شش هزار نفر مهاجرت کرده‌اند و عده‌ای آمده‌اند تا استرآباد و یک عده

هم به قراء اطراف تهران آمده‌اند.

فرخ سپس روابط دوجانبه ایران و افغانستان را مورد بررسی قرار می‌دهد: اتباع ما که در آنجا زیاد نیست. پنج خانوار است. سه خانوار در کابل و دو خانوار در هرات که مدتی است مرده‌اند یا خواهند مرد. روابط اقتصادیمان یعنی صادرات ما ۶۶۱۱۲۳/۳ تومان و واردات ما ۱۸۸۴۳۴/۹ تومان و جمع صادرات و واردات ما ۸۵۹۰۰۰ تومان بوده است که هر تاجر یهودی در سریازار می‌تواند ۸۵۴۰۰۰ تومان تجارت کند. روابط سرحدی را گویا آقای وزیر جنگ مطلع باشند جز دزدی و آدمکشی چیزی نیست.^(۴۱)

درباره وضعیت سیستان، فرخ بیان می‌کند: یک ایالت ما را هم دارند خشک می‌کنند. سیستان ۶۰ فرسخ در ۶۰ فرسخ و ۳۰۰ هزار جمعیت دارد. در سال ۱۳۲۴ بنده در سیستان بودم، در سرحدات آنجا کارگذار بودم. به واسطه توقف قشون اجنبی جمع‌آوری غله را دولت به من محول کرد. ۲۶۰ هزار خروار محصول آنجا شد. حالا مردم سیستان از جای دیگر گندم می‌آورند. یکی از علمای سیستان برای من نامه‌ای فرستاده و می‌نویسد اگر دو سال دیگر بگذرد بدین هنجار، تمام زمین زابل جز یک زمین بایر نیست.^(۴۲)

فرخ در انتهای سخنان خود، برخورد جدی از سوی مردم سیستان را تنها راه حل موضوع ذکر می‌کند:

بنده استدعا می‌کنم مردم سیستان را آزاد بگذارند که خودشان حق خودشان را بگیرند. سیستان دارد از بین می‌رود. سیصد هزار نفر جمعیت آنجا متلاشی و متفرق خواهد شد.^(۴۳)

همزمان با مذاکرات فوق یادداشتی با عنوان «هیرمند و افغانستان» در هفته‌نامه بیداری قهستان - که در تهران چاپ شده و در بیرجند، قاینات، سیستان و بلوچستان انتشار می‌یافت - چاپ شد. نویسنده، مقاله خود را با لحن تند آغاز می‌نماید: افغانها که ماهیت وجودی آنها بر همه کس روشن است، مردمی که تا چندی قبل به موجب مدارک زنده تاریخی از افراد مطیع و عادی مملکت ما بوده‌اند و در ردیف سکنه قسمتی از خراسان محسوب می‌شده‌اند، امروز به ترکتازی افتاده‌اند و چشم طمع به آب هیرمند دوخته‌اند. غافل از اینکه بعضی آبهای ایران درگلوها می‌ماند و خفقان تولید می‌کند.^(۴۴)

در ادامه نویسنده با لحن خصمانه‌ای رجحان مشی برخورد نظامی بر گفتگوی سیاسی را

● آب هیرمند؛ منافع ملی در قربانگاه روابط منطقه‌ای (۱۳۳۰-۵۱) ش

توصیه می‌کند: آیا کار مملکت ما به جایی رسیده که حتی با افغانها هم مذاکرات سیاسی شروع و برگزار کنیم! آیا نباید باور کنیم که در تحریکات مربوط به هیرمند دست و انگشت خارجی هم در کار است؟ اگر خارجی دخالتی نداشته باشد افغانها چه جرأت دارند حقایق ما را غضب کنند و خود را همچون دولتهای زنده و مقتدر معرفی نمایند؟ چرا اولیای دولت ما بیش از این ساکت می‌مانند؟ اگر مدعی هستید که با افغانها همسایه‌ایم وقتی همسایه شرایط همسایگی را زیر پا بگذارد و به تجاوز بپردازد، دیگر چه موردی برای رعایت شئون همسایگی باقی می‌ماند؟ وانگهی بهتر نیست به این ماجرای اسفانگیز خاتمه دهیم و برویم حق خود را بگیریم؟ ... لابد اینها خیال کرده‌اند حکومت ایران و وضع ملت و مردم ایران امروز نظیر اواخر صفویه است و امثال محمود یا اشرف افغان و اعقاب آنها خواهند توانست هر عملی را که دلشان خواست مرتکب شوند. ما معتقدیم نزاکت‌های سیاسی را دولت ما باید کنار بگذارد و بیش از این ناظر غارتگری و تجاوزاتی که متوالیاً ادامه دارد، نباشد. صدها هزار نفر سیستانی مدتها است با یک نوع انسانیت و گذشت زایدالوصف، به امید اینکه مشکل هیرمند حل خواهد شد، متحمل انواع محرومیت‌ها و تضییقات گردیده‌اند، ولی این افغانها به تصور اینکه دنیا به آخر رسیده، همچنان به گستاخی‌های خویش می‌افزایند. مذاکرات سیاسی و جلسات و کنفرانس‌های بی‌ارزش چه فایده دارد؟ هر نوع تعدی و تجاوز را باید با زور عقب زد و احقاق حق نمود.^(۴۵)

برخورد شدید سناتور فرخ با موضوع هیرمند و نیز چاپ یادداشت فوق‌الذکر در هفته‌نامه بیداری قهستان، عکس‌العمل مقامات افغانی را به دنبال داشت. سردار نعیم‌خان، وزیر وقت خارجه افغانستان طی یک مصاحبه مطبوعاتی در کابل (۲۷ اردیبهشت ۱۳۳۳) اظهار داشت: سیستان همچنان از آب هیرمند استفاده می‌کند و حملات جراید و رادیو ایران در این مورد مطابق واقع نیست. افغانستان حاضر است به توصیه‌های کمیسیون بی‌طرف عمل کند در حالی که ایران هنوز جوابی به آن نداده است.^(۴۶)

بلافاصله وزارت امور خارجه ایران واکنش نشان داد و یکی از مقامات آن وزارتخانه اعلام کرد: کمیسیون مختلط (و نه بی‌طرف) هم که تشکیل شد روی نظریاتی به نفع دولت افغان اظهار نظر کرد و دولت ایران نمی‌تواند این نظریه را قبول کند. علاوه بر این دولت افغانستان هم تاکنون حاضر نشده است به پیشنهادهای گلداسمیت عمل کند و روی همین اصل آب به سیستان

نمی‌رسد. دلیل دیگر اینکه بر خلاف اظهارات وزیر خارجهٔ افغان، اهالی سیستان از آب هیرمند استفاده نمی‌کنند و بیش از سی هزار نفر از اهالی آن منطقه به علت روبروشدن با بی‌آبی و خشکسالی ناچار به نقاط دیگر کشور کوچ کرده‌اند. این موضوع را حتی کمیسیون مختلطی هم که تعیین شده بود، تایید و تصدیق دارد.^(۴۷)

در مجلس سنا هم مصاحبهٔ محمد نعیم خان، وزیر خارجهٔ افغانستان در مورد هیرمند مورد انتقاد سناتور فرخ قرار گرفت. او ضمن نقد و بررسی اظهارات وزیر خارجهٔ افغانستان در مورد رأی کمیسیون بی‌طرف هیرمند گفت: چند نفری به اصطلاح متخصصان رفته‌اند و تشکیل کمیسیون داده و دولت ایران به هیچ وجه الزامی در قبول رأی آنها ندارد. دولت ایران قبول نکرده است و قبول هم نخواهد کرد زیرا این یک رأی یک طرفی است و به ضرر مملکت ایران است.^(۴۸)

سناتور فرخ در ادامهٔ نطق خود موضوع فعالیت مبلغان افغانی در ایران و مهاجرت اتباع ایرانی به افغانستان را طرح و خواهان برخورد شدیدتر مقامات ایرانی با این موضوع شد: من یک گله از دولت دوست و همجوار خودمان دارم و یک اعتراض هم به دولت ایران. مبلغانی افغانها در سیستان فرستاده‌اند و رعایا را به مهاجرت تحریض می‌کنند و تا به حال ۳۶ هزار نفر از سیستان مهاجرت کرده‌اند. این موضوع از نقطه نظر همجواری و دوستی و برادری عمل درستی نیست، ولی افغانها در این موضوع سابقاً هم یک اقدامی کرده‌اند به توسط اعظم نام جمشیدی و محمدعظیم ده نورایی و علی شاه محمد و سرور علی زئی که بربرهای حدود باخزر و جام (تربت جام) را هم تشویق به مسافرت می‌کردند که حضرت والاسپهبد جهانبانی سرور علی زئی را توقیف کردند و آن وقت امیر لشکر شرق بودند. ولی اعتراض من این است که دولت وقت چرا جلوگیری نمی‌کند و این اشخاص را دستگیر نمی‌کنند. مأموران ایران در سیستان مرده‌اند یا حیات دارند؟^(۴۹)

برخورد تند و شدید با موضوع هیرمند، آنگونه که در خلال سخنان فوق مشخص است، در سرمقاله‌ای که در روزنامهٔ پست تهران در همان زمان با عنوان «ایران و افغانستان و مسألهٔ هیرمند» چاپ شد، نیز آشکارا به چشم می‌خورد.

... در چند سال اخیر قضیهٔ هیرمند موجب گفتگوهای بین دولتی شده است و ما بی

● آب هیرمند؛ منافع ملی در قربانگاه روابط منطقه‌ای (۵۱-۱۳۳۰ ش)

آنکه قصد گله داشته باشیم نمی‌توانیم از انکار این نکته خودداری کنیم که دولت افغانستان در ارتباط سیاسی با ما مسامحه می‌کند. این رود هیرمند میلیون‌ها سال جریان داشته و از افغانستان به ایران می‌آمده و مردم سیستان از آن استفاده می‌کرده‌اند. خلاف دوستی و جوانمردی است اگر بخواهند این آب را نگذارند به سیستان برسد قوت مردم و حیات ساکنان آن خطه به این آب بسته است. ما مسلمانیم و افغانستان نیز دولت مسلمان. اسلام هرگز این عمل را تصویب نمی‌کند که مسلمانی آب را به روی مسلمان دیگر ببندد و مرگ و فناء مسلمانی را به چشم ببیند و خم به ابرو نیاورد. دنیای امروز دنیای آشفته و پرآشوبی است و ما ملل ضعیف اگر بخواهیم با این امور کوچک خود را سرگرم کنیم، اگر در این کارهای جزئی که حل آن با حسن نیت و رعایت موازین اسلامی بسیار آسان است، بخواهیم با هم اختلاف پیدا کنیم، طعمه دیگران خواهیم شد. (۵۰)

چند روز پس از سخنان سناتور فرخ و چاپ مقاله فوق‌الذکر، دکتر قاسم‌زاده که سابقه حضور در جلسات کمیته رسیدگی به وضع هیرمند در مهر ۱۳۳۱ را داشته، این بار در کسوت سناتوری مجلس سنا، طی سخنانی تلاش کرد با ارائه یک موضع معتدل تشنج حاکم بر موضوع هیرمند را کاهش دهد. او در نطق خود گفت: به عقیده اینجانب در موضوع تقسیم آب هیرمند سیاست دولت ایران باید روی دو اصل اساسی قرار گیرد، یکی اینکه سهم ایران و افغانستان در مقدار آبی که به سیستان و چخانسور می‌رسد باید با میزان احتیاج هر یک از آن دو ناحیه مطابقت داشته باشد و چون مساحت اراضی مزروعی سیستان و تعداد سکنه آن سامان بیشتر از زراعت و جمعیت چخانسور می‌باشد، بنابراین سهم ایران در آبی که به بند کمال‌خان می‌رسد باید بیشتر از سهم افغانستان باشد و یا لاقلاً کمتر از سهم دولت مزبور نباشد. هدف دوم سیاست دولت ایران در موضوع آب هیرمند باید این باشد که دولت افغانستان در تمام مسیر رود هیرمند نباید به عملیات و اقداماتی مبادرت کند که باعث نقصان آب مورد احتیاج طرف ایرانی بوده و موجب نگرانی برای آبیاری سیستان گردد.

این دو هدف مطابقت تام و کامل با مقررات بین‌المللی دارد. بدین معنی که رود هیرمند با اینکه از کوه‌های غربی کابل سرچشمه می‌گیرد و قسمت اعظم آن از خاک افغانستان جاری می‌شود، با این حال رود مزبور یک رود مشترک بوده و هر یک از طرفین افغانی و ایرانی محق

است از آب رود مزبور استفاده لازم برای زراعت و غیره بکند، مشروط بر اینکه اعمال این حق لطمه به حق طرف دیگر وارد نکرده و باعث کسر آب مورد احتیاج وی نگردد.^(۵۱)

به نظر می‌رسد تغییر روش حل موضوع هیرمند از «تقسیم بالمناصفه» به «تحویل میزان مشخصی آب به ایران» که مورد توافق اساسی سطوح بالای دولت ایران قرار گرفته بود، توسط برخی از سناتورهای مجلس سنا و نیز برخی از مطبوعات ایرانی به چالش کشیده شد. ولی این چالش زودگذر بوده و سخنان دکتر قاسم‌زاده موقتاً به آن خاتمه داد.

نظرات کشورهای ذی‌نفع

همزمان با وقایع فوق، در کابل نصرالله بهنام، کاردار جدید سفارت ایران تلاش جدی را برای تشریح وضعیت سیستان و نیز موضع ایران در قبال رأی کمیسیون بی‌طرف هیرمند انجام داد. او در ملاقات با مدیرکل سیاسی وزارت امور خارجه افغانستان موضوع را طرح کرد. در این ملاقات، مدیرکل سیاسی وزارت خارجه افغانستان اظهار نمود: بالاخره دولت افغانستان تصمیم گرفته که به اختلافات در باب آب هیرمند خاتمه دهد و بدین مناسبت انتظار دارد دولت شاهنشاهی نظریات قطعی خود را نسبت به گزارش کمیسیون بی‌طرف هیرمند اعلام فرماید که تکلیف معین شود و چنانچه با تشکیل کمیسیون فنی براساس گزارش کمیسیون بی‌طرف موافقت فرمایند، پیش از دو ماه تاریخ تشکیل کمیسیون، مراتب را به دولت افغانستان اطلاع دهند که با فرصت بتواند نمایندگان خود را تعیین و معرفی کند. (از قراری که استنباط نمود در نظر دارند متخصصان فنی در کمیسیون مزبور را هم از اتباع دول دیگر و شاید آمریکا انتخاب نمایند). البته اگر دولت شاهنشاهی نسبت به بعضی از مواد گزارش اعتراض دارند در همان کمیسیون مطرح فرموده که تصمیم لازم اتخاذ گردد.

تصور می‌رود بیانات جناب آقای فرخ در مجلس سنا که فرموده گزارش کمیسیون بی‌طرف هیرمند تماماً به نفع افغانستان است و چون منافع ایران ملحوظ نشده، دولت ایران هیچ وقت حاضر برای موافقت با گزارش مزبور نمی‌باشد، دولت افغانستان را نگران نموده و بدین جهت خواستند بفهمند که آیا دولت شاهنشاهی هم دارای همین نظر می‌باشد و یا اینکه سناتور نامبرده مطابق سلیقه و نظریات خودشان این بیانات را در مجلس سنا فرموده‌اند. البته چون

دولت افغانستان گزارش کمیسیون بی‌طرف را به نفع خود تشخیص داده به سهولت از آن صرف‌نظر نخواهد کرد و چنین معلوم می‌شود تا دولت ایران تصمیمات قطعی خود را در این باب اطلاع ندهند از نظر خودشان عدول نخواهند نمود. مدیرکل سیاسی ضمن بیانات خود تلویحاً اظهار داشت دولت افغانستان ناچار است که دولت آمریکا و شاید مراجع بین‌المللی را متوجه سازند که دولت افغانستان نظریات کمیسیون بی‌طرف را قبول نموده ولی دولت شاهنشاهی برای اینکه اختلافات مزبور پایان نیابد و برای همیشه بهانه برای مداخله در امور افغانستان در دست داشته باشد از موافقت با گزارش کمیسیون بی‌طرف خودداری فرموده‌اند.

آقای مدیرکل سیاسی افزودند: به تجربه ثابت شده که دولتین ایران و افغانستان هیچ وقت در حل اختلافات نتوانسته‌اند توافق نظر حاصل نمایند و کمیسیونهای مختلفی که مرکب از نمایندگان ایران و افغانستان تشکیل شده، تمام اوقات کمیسیون‌ها به مذاکرات بی‌فایده صرف گردیده و نتیجه حاصل نشده و همیشه اوضاع و احوال ایجاب نمود که حکمی تعیین و اختلافات را حل نماید. و در باب وساطت دولت آمریکا در موضوع آب هیرمند، دولت شاهنشاهی پیشقدم بوده و وظایف کمیسیون هم در واشنگتن با حضور آقای عبدالحمید عزیز، معاون سیاسی فعلی وزارت خارجه و آقای دکتر خوشبین تنظیم گردید و دولت افغانستان هم برای اینکه مایل است هیچ‌گونه اختلافی باقی نماند با انجام آن موافقت نمود. اکنون دولت شاهنشاهی با اینکه پیشقدم بود، نتیجه تصمیمات خود را اطلاع نمی‌دهد و تا هنگامی که نظریات قطعی دولت ایران در این خصوص اعلام نشود دولت افغانستان نمی‌تواند تصمیمات دیگری اتخاذ نماید. (۵۲)

نصرالله بهنام از موضع کشورهای بزرگ در قبال اختلاف ایران و افغانستان چنین یاد می‌کند: از قرار معلوم دولت افغانستان مرتباً از جریان امر، دولت آمریکا را آگاه نموده و اگر چه دولت انگلستان در این خصوص علناً مداخلاتی ندارد ولی چنین استنباط می‌شود که دولت انگلستان هم از جریان امر آگاه می‌باشد و دولت شوروی هم همواره مراقب است که از اوضاع و احوال کاملاً مستحضر گردد. (۵۳)

به لحاظ اهمیت موضع‌گیری آمریکایی‌ها و نقش آنان در بهسازی شبکه آبیاری حوضه هیرمند، نصرالله بهنام با کاردار سفارت آمریکا در کابل ملاقات کرد. در این ملاقات کاردار

سفارت آمریکا به بهنام گفت: خیلی به موقع است که شخصاً سدهای کجکی و ارغنداب و بغرا را مشاهده نمایید. تا حال دولت افغانستان از سدهای مزبور استفاده کامل ننموده و کانال‌هایی که می‌بایست آنها را به طرف اراضی برای کشت و زرع جریان دهد، ساخته نشده ولی اکنون که افغانستان هیجده میلیون دلار از بانک صادرات و واردات آمریکا وام گرفته، قرار است که شانزده میلیون دلار آن را صرف ساختمان کانال‌ها و آماده نمودن اراضی برای کشت و زرع نماید. ضمناً می‌گفت: از قراری که اطلاع حاصل شده دولت شاهنشاهی ایران گزارش کمیسیون بی‌طرف را به نفع خود نمی‌داند. نظر به اینکه نظریات کمیسیون جنبه مشورتی دارد مانعی ندارد که دولت شاهنشاهی از قبول مشورت مزبور خودداری نماید.

پاسخ دادم: در این خصوص اطلاعات جامعی ندارم ولی همین قدر می‌دانم که دولت شاهنشاهی مشغول مطالعه مندرجات گزارش مزبور می‌باشند ولی در عین حال به نامبرده خاطر نشان نمودم که شخصاً به سیستان رفته، وضعیت آنها را مشاهده نموده و در نتیجه معلوم شده است در نتیجه نرسیدن آب به سیستان قریب ۳۵ هزار نفر اهالی آنجا به نقاط دیگر مهاجرت کرده‌اند که عده‌ای از آنها به پاکستان و عده‌ای به خاک افغانستان رفته‌اند و جزیره شیب آب - که صد قریه و پنجاه هزار نفر کشاورز دارد - امروز نصف بیشتر اهالی آن قراء به خاک افغانستان مهاجرت کرده و قراء مخروبه آنها و اراضی که مدتهاست کشت نشده، بهترین دلیل برای نرسیدن آب به سیستان است. مشاهده این وضعیت برای هر کس خیلی آسان است که به حقیقت امر آگاه شوند. از بیانات بنده کاردار خیلی متأثر شد و اظهار نمود: پس به چه مناسبت متخصصان فنی آمریکایی توجهی به این مسائل ننموده‌اند. موضوع دیگر که قابل اهمیت است دولت افغانستان مشغول تهیه طرحی برای رساندن آب به اراضی چخانسور و قسمتی از اراضی فراه می‌باشد. این قضیه را آقای کاردار آمریکا تصدیق و اظهار داشت: طرح مزبور تهیه شده ولی دولت افغانستان وجهی برای عملی کردن آن ندارد و البته در اولین فرصت به این عمل اقدام خواهد نمود. با عملی کردن طرح مزبور سه قسمت از اراضی افغانستان تحت کشت درخواهد آمد. (۵۴)

نصراً لله بهنام با سفیر کبیر پاکستان در کابل هم ملاقات کرد و نظرات او را چنین انعکاس

داد:

● آب هیرمند؛ منافع ملی در ترابانگه روابط منطقه‌ای (۱۳۳۰-۵۱ ش)

اصولاً دولت شاهنشاهی می‌بایست با تشکیل چنین کمیسیونی موافقت نفرماید و بدیهی است آمریکایی‌ها از طرفی می‌خواهند دولت افغانستان را در مقابل دولت شوروی نیرومند نگاهدارند و از تبلیغات کمونیستی جلوگیری نمایند و از طرف دیگر شرکت‌های آمریکایی، مأمور ساختمان سدها و توسعه کشت و عمران در افغانستان شده‌اند؛ واضح است که دولت آمریکا و متخصصان فنی آنها بیشتر مایل هستند منافع افغانستان ملحوظ گردد تا نگرانی‌هایی که در این باب دارند مرتفع شود. اکنون که چنین پیشامدی رخ داده خیلی به موقع است دولت شاهنشاهی مانند دولت پاکستان که در آب رودخانه با دولت هند اختلاف دارد، عمل نماید و تشریح نمود دولت پاکستان از آبهای زیرزمینی استفاده کرده و به وسیله ذخیره کردن آب در فصل بهار و کندن چاههای عمیق و قنات‌ها احتیاجات خود را تا اندازه‌ای تامین نموده و چون به طور قطع در سیستان هم - که مجاور رودخانه هیرمند است - منابع مزبور وجود دارد، چنانچه به این قبیل اقدامات مبادرت گردد احتیاجات سیستان تا حد امکان رفع می‌شود.^(۵۵)

بهنام کاردار سفارت ایران در افغانستان در انتهای گزارش مفصل خود (مورخ اول تیر

۱۳۳۳) به بیان نظراتش در ارتباط با حل معضل هیرمند می‌پردازد:

دولت افغانستان پس از اینکه از اعتبار ۱۸ میلیون دلار استقراضی، کانالهای مورد احتیاج را حفر و آب رودخانه را برای کشت اراضی خود مصرف کرد و مخصوصاً هنگامی که ساختمان سد و یا بندی برای مشروب نمودن اراضی چخانسور و یک قسمت از فراه عملی گردد، دیگر آب کافی در رودخانه هیرمند باقی نمی‌ماند که به طرف سیستان جاری شود. بنابراین می‌بایست دولت افغانستان با ضمانت دولت دیگری مثل آمریکا تضمین دهد که:

۱. برای کشت ۱۹۰ هزار هکتار زمین مقدار آبی که آقای اصغر آذرنیا، مهندس آبیاری تعیین نموده و مدرک آن به پیوست گزارش محرمانه ۳۳/۳/۱۹-۳۷۲ تقدیم گردیده، به سیستان جریان دهد و البته بر میزان آب مزبور می‌بایست اقل ۷۷٪ تلفات آب هم اضافه شود.

۲. چنانچه در هنگام بهار و طغیان رودخانه، سیلاب‌ها را دولت افغانستان در مخازن سدها ذخیره نماید و سیلاب به طرف دریاچه هامون جاری نشود، تضمین دهد مقدار آب برای کشت چهل هزار هکتار علوفه حیوانات را نیز برساند.^(۵۶)

ادامه نظرات کاردار سفارت ایران در کابل در واقع همان نظریاتی است که از سوی دکتر

خوشبین ارائه شده بود. چنین به نظر می‌رسد اصول بیان شده از سوی وی تا ۱۳۳۳ از جانب دستگاه سیاست خارجی ایران پذیرفته شده و بدان عمل می‌شد.

مجلس سنا و طرح مجدد آب هیرمند

دور جدید گفتگوهای قوهٔ مقننه و دولت در باب افغانستان و قضیهٔ رود هیرمند از مهر ۱۳۳۳ آغاز شد. در جلسهٔ نوزدهم مهر مجلس سنا، آقای انتظام، وزیر امور خارجه برای پاسخ به پرسش سناتور فرخ به مجلس سنا رفت. پرسش یا پرسشهای فرخ دربارهٔ وضعیت اختلافات دوکشور در رابطه با آب هیرمند بود: نتیجهٔ مذاکرات سفیر کبیر ایران در کابل راجع به هیرمند چه بوده و آیا نتیجه‌ای حاصل شده است یا خیر؟ این خیر که افغانها تقاضا کرده‌اند در مقابل دادن رأی به عضویت نمایندهٔ ایران در شورای امنیت، دولت ایران گزارش هیأتی که بر خلاف حق راجع به هیرمند اظهار نظر نموده (منظور رأی کمیسیون بین‌المللی هیرمند است) قبول نمایند، صحیح است یا خیر؟ دولت برای جلوگیری از این تعدی واضح و نجات سیستان چه اقدامی کرده و خواهد کرد؟^(۵۷)

پاسخ انتظام تنها شامل بیان علل تعویق مذاکرات بین دو کشور بود. او وجود مسائل مهمتری در مملکت طی سالهای گذشته (۳-۱۳۳۰) و مسائل اساسی تر نظیر نفت در سیاست خارجی ایران را علت تعویق پاسخ اصلی ایران به گزارش کمیسیون هیرمند، قلمداد کرد. انتظام از تحرک وزارت امور خارجه از موقع تصدی وزارت توسط خودش، گزارشی ارائه کرد: از روزی که بنده به وزارت خارجه آمدم قضیهٔ افغانستان و قضیهٔ رود هیرمند را به کمیسیون نهایی رجوع کردیم و مطالعه کردند و منجر به این شد که در کابل هم که مدتی بود سفیر نداشتیم، فرستادیم که موضوع را دنبال کند و صحبت کند و ببینند نظر افغانها راجع به این موضوع چیست؟ گزارشی که پس از مذاکرات آقای صلاحی [در کابل] رسیده این بود که افغانها اصرار دارند نظر ایران را راجع به رأی کمیسیون [هیرمند] بدانند. پس از اینکه جواب آمد تقریباً یک ماه و خرده‌ای است ما یک کمیسیون خاصی تشکیل داده‌ایم از نمایندگان وزارتخانه‌های ذی‌علاقه از جمله جناب آقای عدل، وزیر کشاورزی هم شرکت دارند و رسیدگی هم می‌شود به این موضوع تا جوابی که ما باید به افغانها بفرستیم تصویب شود.^(۵۸)

● آب هیرمند؛ منافع ملی در قربانگاه روابط منطقه‌ای (۵۱-۱۳۳۰ ش)

در ادامه مذاکرات آقای انتظام پذیرش بخشهایی از گزارش کمیسیون هیرمند و ردّ بخشهایی دیگر از آن را اعلام کرد. پاسخ ندادن او به بخشی از پرسش فرخ (در مورد دادن رأی مثبت افغانستان به عضویت ایران در شورای امنیت به ازای پذیرش گزارش کمیسیون هیرمند توسط ایران) مؤید شایعه بودن چنین خبری و یا حداقل غیررسمی بودن چنین پیشنهادی از سوی افغانی‌ها بود.

چند روز پس از حضور انتظام در مجلس سنا، در جلسه بعدی آن، سناتورهای: شمس ملک‌آرا، سرلشکر فیروز، دکتر ملک‌زاده، سپهبد امیراحمدی و فرخ با امضای طرحی خواستار تشکیل جلسه خصوصی مجلس سنا برای رسیدگی به موضوع رود هیرمند شدند. سناتورها در توجیه علت طرح پیشنهاد مذکور بیان داشتند: نظر به اینکه موضوع اختلاف ایران با افغانستان سالهای متمادی است تصفیه و حل نشده و نظر به اینکه استان باستانی و پرپرکت سیستان به علت این اختلاف و محروم ماندن از آب هیرمند رو به خرابی می‌رود و جمعیت ساکنان آن پیوسته مهاجرت می‌کند، پیشنهاد می‌شود که در یک مجلس خصوصی با حضور هیات وزراء در این باب مذاکره و بحث شود. (۵۹)

شمس ملک‌آرا در نطقی - که متعاقب طرح پیشنهاد فوق در مجلس سنا می‌نماید - خبر از مهاجرت سی‌وشش هزار سیستانی به افغانستان و خالی ماندن بسیاری از نقاط سیستان از سکنه می‌دهد. (۶۰)

گزارشی از تشکیل جلسه فوق‌العاده در باب هیرمند وجود ندارد و تشکیل یا عدم تشکیل چنین جلسه‌ای در ابهام قرار دارد. حدود دو ماه و نیم بعد یعنی در جلسه سیزدهم دی ۱۳۳۳، وزیر امور خارجه در پاسخ به پرسش شمس ملک‌آرا، از اقدامات ایران در این باره گزارشی داد: ما یادداشتی [برای افغانی‌ها] فرستادیم و نظر خودمان را هم راجع به گزارش کمیسیون [هیرمند] اشعار داشتیم. این یادداشت در حدود سه هفته پیش به کابل رسید و ما بار دیگر هم تأکید کردیم که جواب بدهند. در آخرین جوابی که [سفارت ایران در کابل] داده، اظهار داشته که [افغانی‌ها] منتظر هستند سفیر کبیری که [برای ایران] انتخاب شده و الان در پاریس است در ظرف دو هفته دیگر که به کابل مراجعت کرد، نظر او را هم جلب کنند و او را هم مطلع بکنند از مذاکرات که وقتی او به اینجا آمد مذاکرات را شروع بکنند و جواب را به ما بدهد. (۶۱)

وقوع خشکسالی

اما در سیستان اوضاع بگونه‌ای دیگر بود. از اواسط بهمن ۱۳۳۳ حجم آب دریافتی از هیرمند رو به کاهش گذاشت. این مشکل در اسفند به شکل جدی‌تری خود را نمایان ساخت، بگونه‌ای که سطح آب هیرمند در سیستان به شدت نزول کرد و سبب وحشت کشاورزان و مالکان سیستانی شد.^(۶۲) ادامه این وضعیت در فروردین ۱۳۳۴ دولت را به تکاپو انداخت. دولت ایران با توجه به اینکه اولاً اوقات مزبور مصادف با فصل طغیان آب هیرمند بوده و ثانیاً سطح آب بدون مقدمه پایین آمده بود، مسلم دانست که در افغانستان از جریان طبیعی آب جلوگیری شده است. بدین جهت فوراً با سفارت افغانستان در تهران و از طریق سفارت ایران در کابل با مقامات وزارت امور خارجه افغانستان مذاکره و جریان یافتن دوباره آب هیرمند به طرف مرز ایران را درخواست کرد. وزارت امور خارجه افغانستان پاسخ داد با اینکه زمستان گذشته [سال ۱۳۳۳] به واسطه نیامدن برف و باران در سراسر افغانستان آب رودخانه‌ها نقصان یافته است و پایین آمدن آب هیرمند به این شدت - که از طرف زارعان سیستانی اظهار شده است - صحت ندارد با این حال دستور رسیدگی به مأموران محلی افغانستان در مراقبت از جریان آب به طرف ایران داده است.^(۶۳)

ولی وضعیت بحرانی‌تر از آن بود که بتوان با وعده و وعید اصلاح کرد. در اواخر فروردین ۱۳۳۴ عده زیادی از سردارها و رؤسای ایلات سیستان طی تلگرافی به سناتور فرخ اعلام کردند: بگونه‌ای مهاجرت اهالی شدت یافته که هر روز تعدادی کامیون به زابل می‌رسد و مهاجران را حرکت می‌دهد. بیست و چهار کامیون دیگر پیش خرید شده که به زابل بیاید و مهاجران را از سیستان منتقل نماید. استدعای توجه عاجل را دارد. اینها کسانی هستند که به داخل کشور مهاجرت می‌نمایند اما عده‌ای که به افغانستان فرار می‌کنند خیلی بیشتر از اینها است و اگر قریباً فکری نشود سیستان خالی از سکنه خواهد شد.^(۶۴)

و تلگرافی دیگر از عمده مالکان میان‌کنگی، جزئیات دقیق‌تری را بیان می‌نماید: آب هیرمند ساعت به ساعت رو به کاهش می‌رود مقدار آبی که به طرف ایران می‌آید مختصر زه آب گندیده سبز رنگ بیش نیست، که برای مصرف یک بخش هم کافی نمی‌باشد. منتظر اقدامات مقامات صلاحیت‌دار زابل بودیم و تاکنون بنا به توصیه آنان از شکایت خودداری کردیم و مردم

● آب هیرمند؛ منافع ملی در قربانگاه روابط منطقه‌ای (۵۱-۱۳۳۰ ش)

را با زبان وعده و وعید از متواری شدن مانع شدیم. متأسفانه اکنون نتیجه اقدامات دواير محلی برای ما روشن نشده و روز به روز بر خشکی محصول افزوده می‌شود. عنان اختیار از دست ما مالکان به در رفته و ساعت به ساعت کامیون‌های زارعان به خارج از سیستان روانه می‌باشد. اگر اقدامات مؤثر و سریع برای اضافه شدن آب هیرمند و ول کردن آب از طرف افغانها به عمل نیاید، محققاً زایل به ویرانه‌ای تبدیل می‌شود. ناچار به تلگراف‌خانه متحصن و انتظار جواب حضوری را داریم تا به زارعان باقیمانده ابلاغ و از مهاجرت اینها جلوگیری شده و تسکین یابند. جناب آقای نخست‌وزیر اجازه فرمایید اگر در مرکز عملی مقدور نیست برای احقاق حق خود و کشیدن سدهای افغان، ما اهالی سیستان شخصاً اقدام نماییم.^(۶۵)

با مشاهده چنین وضعیتی، دولت به فوریت هیأتی را برای بررسی اوضاع محلی روانه سیستان کرد.^(۶۶) در نتیجه مشخص شد بر اثر بی‌آبی به بخش‌هایی از زراعت در سیستان بین ۱۰٪ تا ۷۰٪ صدمه خورده است.^(۶۷) همزمان با طرح گزارش هیأت اعزامی، اقدامات وزارت امور خارجه نتیجه داده و افغانی‌ها آب را در مجاری هیرمند آزاد کردند، در نتیجه به طوری که در اوایل اردیبهشت از ادارهٔ مرزبانی وزارت جنگ به وزارت امور خارجه گزارش رسید، آب رود هیرمند رو به فزونی گذاشته و تا دوم اردیبهشت تقریباً یک متر نسبت به نقصان سابق آب بالا آمده و از زارعان رفع نگرانی شده است.^(۶۸)

همکاری افغانی‌ها در رفع مشکل فوق‌زمینهٔ مساعدی را برای انجام دور جدیدی از گفتگوها بین دو کشور فراهم ساخت. این بار در کنفرانس باندونگ^(۶۹) کفیل هیأت نمایندگی ایران از حضور وزیر امور خارجهٔ افغانستان در آنجا استفاده نموده و مذاکرات مؤثری را برای حل موضوع به عمل آورد. ولی عدم دستیابی به نتیجهٔ مشخص، اعتراض شدید سناتورها را به دنبال داشت. سناتور فرخ این بار برای جلوگیری از آنچه که خود «اقدامات فرمالیته» وزارت خارجه می‌نامید، تشکیل کمیسیونی را با حضور آقایان صدر، مؤید ثابتی، جهانبانی، مطبوعی و اعلم، وزیر کشور جهت تشریح مساعی با دولت در موضوع هیرمند، پیشنهاد کرد. او همچنین از پیشنهاد افغانستان برای ادامهٔ مذاکرات در واشنگتن نیز به شدت انتقاد و اعلام کرد: این رویه‌ای را که افغانها [در پیش] گرفته‌اند و غفلتی که وزارت امور خارجه به خرج می‌دهد به طور قطع، صد درصد به ضرر ایران تمام خواهد شد.^(۷۰)

اعتراض وزیر امور خارجه به تشکیل این کمیسیون - که آن را نماد دخالت قوه مقننه در قوه مجریه اعلام کرد - سبب منتفی شدن تشکیل آن شد ولی بررسی موضوع به کمیسیون خارجه مجلس سنا احاله شد.^(۷۱) چندی پس از آن جلسه کمیسیون خارجه تشکیل شد. گزارش جلسه را سناتور فرخ در یکی از جلسات مجلس سنا بیان کرد: در کمیسیون خارجه با حضور آقایانی که سابقه داشتند مثل تیمسار سپهبد جهانبانی، سرلشکر مطبوعی، جناب آقای صدر و جناب آقای مؤید ثابتی، بالاخره دولت وعده کرد که ما مشغول مذاکره هستیم و همین چند روزه قضیه تمام می شود و می رویم در واشنگتن صحبت می کنیم. اگر چه بنده با مذاکره در واشنگتن مخالف بودم و در کمیسیون هم در اقلیت بودم.^(۷۲)

علاوه بر مخالفت فوق، سناتور فرخ و نیز تعدادی دیگری از سناتورها نیز بر این عقیده بودند که اساس مذاکرات دوجانبه باید بر آراء گلداسمیت و مک ماهون (تقسیم آب به نسبت نصف به نصف) انجام پذیرد،^(۷۳) عقیده ای که مدتی از نسخ آن گذشته بود و مذاکرات همچنان بر اساس راه حل جدید «تحویل مقدار معین آب به ایران از سوی افغانستان» ادامه می یافت.

تقویت جایگاه افغانستان در روابط منطقه ای

به نظر می رسد نتیجه گفتگوهای مقامات دو کشور در کنفرانس باندونگ، فراهم آمدن زمینه لازم برای برگزاری دور بعدی مذاکرات دو کشور در واشنگتن در ۱۳۳۴/۱۹۵۵ بود. نکته اساسی در این میان وضعیت خاص افغانستان در معادلات سیاسی منطقه ای به هنگام شروع دور جدید مذاکرات بود. در آن زمان آمریکا و شوروی برای دادن تسهیلات به افغانستان جهت جلوگیری از جذب آن کشور به اردوگاه سیاسی مقابل، رقابتی شدید داشتند.

شوروی در ۱۹۵۱ یک قرارداد بازرگانی چهارساله با افغانستان منعقد کرد که برآن اساس دو کشور به مبادله پایاپای کالا با یکدیگر پرداختند. سوخت، پارچه های نخی، قند و شکر و سایر کالاهای روسی با پشم و پوست و پنبه افغانی ها مبادله می شد و ضمناً حمل و نقل کالاهای افغانی از خاک شوروی آزاد شد. در ۱۹۵۳ چندین اعتبار کوچک برای ساختن سیلو، ایجاد مخازن نفت، دایر کردن نانویی و سنگ فرش کردن خیابان های کابل از سوی شوروی در اختیار کابل قرار گرفت. از ۱۹۵۴ با آغاز کمکهای گسترده شوروی، این مناسبات تحکیم

● آب هیرمند؛ منافع ملی در قربانگاه روابط منطقه‌ای (۱۳۳۰-۵۱ ش)

بیشتری یافت. تا ۱۹۵۵ حدود ۸۰٪ واردات و صادرات افغانستان از راه سنتی افغانستان با پاکستان انجام می‌شد. در آن سال بر اثر تیرگی شدید روابط افغانستان و پاکستان بر سر مسأله پشتونستان، جریان انتقال کالا از طریق پاکستان متوقف شد و این امر افغان‌ها را بیش از پیش متوجه مسیر ارتباطی با جهان خارج از طریق شوروی ساخت. روس‌ها نیز تسهیلاتی برای این امر برقرار کردند. در ۱۹۵۵ لوگانین و خروشچف، رهبران شوروی از افغانستان دیدار کرده و از دعاوی آن کشور در مورد خودمختاری پشتون‌ها حمایت کردند و مهمتر اینکه صد میلیون دلار برای اجرای طرح‌های توسعه اقتصادی با بهره ۲٪ و مدت سی سال به افغانستان اعتبار دادند. مجموع وام و کمک‌های شوروی برای برنامه‌های عمرانی و توسعه اقتصادی افغانستان از ۱۹۵۵ تا دسامبر ۱۹۷۴ بیش از یک میلیارد دلار بود. این کمک‌ها در طرح‌هایی از جمله آبیاری، احداث واحدهای تولید برق، و کارخانه‌ها و ساختمان سیلو بکار برده می‌شد.^(۷۴)

آمریکا نیز - که پیش از ۱۹۵۰، با دادن وامی برای ساخت تأسیسات آبیاری هیرمند، به کمک افغانستان آمده بود - در ۱۹۵۳ دومین وام را به مبلغ ۱۸/۵ میلیون دلار با بهره ۴/۵ درصد و ۱۳ ساله، به همین منظور به کابل داد. همچنین در ژوئن ۱۹۵۵ نیز وام دیگری به مبلغ ۵۷ میلیون دلار برای توسعه و عمران درّه هیرمند و در ۱۹۵۹ در جریان مسافرت آیزنهاور، رئیس‌جمهور آمریکا به کابل نیز وام دیگری برای تکمیل ساختمان سد بر روی هیرمند به افغانستان داده شد.^(۷۵) در مجموع میزان کمک‌های آمریکا به افغانستان بالغ بر ۴۵۰ میلیون دلار به صورت وام و کمک‌های بلاعوض شد که عمدتاً در زمینه خطوط ارتباطی، پروژه درّه هیرمند، افزایش تولیدات کشاورزی و امور آموزشی بود. همچنین در همین مدت سپاه صلح آمریکا در افغانستان نیز به فعالیت خود ادامه می‌داد.^(۷۶)

تأثیر اعطای این وام‌ها بر روی روابط ایران و افغانستان را در گزارشهای ارسالی از سیستان نیز می‌توان آشکارا دریافت. در مرداد ۱۳۳۴ فرماندار زابل به نقل از یکی از مرزنشینان ایرانی - که مورد اعتماد است - گزارش داد:

۱. موضوع پشتونستان روزبه روز بر تیرگی روابط پاکستان و افغانستان می‌افزاید.
۲. فعالیت شوروی‌ها در افغانستان خیلی زیاد شده و افغانها را تحبیب ساختگی تشویق به اتحاد با بلوک شرق می‌نمایند و گویا پیمان الحاق هم بین آنها بسته شده باشد.

۳. مهندسان شوروی در کابل شروع به آسفالت‌کاری خیابانها کرده‌اند.
۴. شوروی‌ها در کابل یک سیلوی مجهز ساخته‌اند.
۵. ملت افغان از شوروی‌ها خیلی ناراضی و هیچ‌گونه علاقه به این امر نداشته و در ظاهر هم قدرت اظهار ندارند.
۶. معاملات تجاری و بازرگانی آنها در هرات آغاز شده است.
۷. آمریکایی‌ها فقط در دهانه هیرمند، محل‌های مناسب و حساس را که لازم می‌دانند در اختیار گرفته و مشغول سد بستن هستند.^(۷۷)

چند ماه بعد، در بهمن ۱۳۳۴ نیز بار دیگر فرماندار زابل در گزارشی بکلی محرمانه به اعلم، وزیر وقت کشور نوشت: همان طوری که خاطر مبارک مستحضر است و در گزارشهای قبلی به عرض رسیده مدتی است عده قابل ملاحظه‌ای از اهالی شوروی تحت عنوان فلاح و کشاورزی نوین و سدسازی به خاک افغانستان راه یافته و در مرز افغانستان در مقابل منطقه سیستان مشغول فلاح شده‌اند. البته برای همراه کردن مردم عوام و ساده لوح افغانی مقدماً کارهایی در امر فلاح معمول داشته‌اند ولی جسته و گریخته شنیده می‌شود که فعالیت‌های شوم خود را در بین رعایای افغانی شروع کرده و حرفهای خوش آب و رنگ ولی در باطن آمیخته به خدعه و نیرنگ نیز می‌زنند.^(۷۸)

جهت‌گیری جدید در سیاست خارجی ایران

تا اینکه در اواخر ۱۳۳۶ / فوریه ۱۹۵۶ رفتار خاصی از سوی دولت ایران انجام شد که به هیچ وجه در چارچوب منافع ملی قابل توجیه نبود. در آن زمان به دنبال امضای توافقنامه همکاری تکنولوژی میان افغانستان و آمریکا، دولت ایران در صدد نزدیکی و کمک به افغانستان برآمد. در این راستا کمیسیونی با حضور برخی از وزرای ایرانی با هدف دادن کمک اقتصادی به افغانستان، برای بررسی راههای گسترش همکاری‌های دوجانبه تشکیل شد. در مذاکرات انجام شده در این کمیسیون هیچ اشاره‌ای به اختلاف دو کشور در رابطه با هیرمند نشد.^(۷۹) البته بدیهی است با توجه به مشکلات و معضلات داخلی ایران نباید نتیجه خاصی را از تشکیل چنین کمیسیونی توقع داشت. ولی برای نخستین بار روابط ایران و افغانستان نه در چارچوب منافع

● آب هیرمند؛ منافع ملی در قربانگاه روابط منطقه‌ای (۵۱-۱۳۳۰ ش)

ملی بلکه در چارچوب روابط سیاسی حاکم بر منطقه که در سویی از آن اردوگاه شرق به رهبری شوروی و در سویی دیگر اردوگاه غرب به رهبری آمریکا و به عضویت ایران قرار داشت، مورد توجه قرار گرفت.

در بهار ۱۳۳۵ / ۱۹۵۶ بار دیگر مشکلات سنواتی و معمولی بین ایران و افغانستان در مورد هیرمند آغاز شد، ولی این بار شیوه رفتار مقامات ایرانی در برخورد با موضوع نسبت به سابق تفاوت می‌کرد. در اردیبهشت ۱۳۳۵ سفارت ایران در کابل به وزارت امور خارجه اعلام کرد: در اثر طغیان رود هیرمند قسمتی از اراضی چخانسور افغانی را آب گرفته و به چهارصد خانوار افغانی خساراتی رساند. جراید کابل معتقدند که چون دولت شاهنشاهی در سیستان سدهایی بسته‌اند، آب - که باید در موقع طغیان رود وارد هامون صابری شود - منحرف گشته و به اراضی چخانسور فشار و خسارت وارد کرده است. جراید کابل اضافه کرده‌اند که حل قضیه هیرمند مربوط به حسن تفاهم و مذاکرات دوستانه با دولت شاهنشاهی است. آقای سفیر کبیر شاهنشاهی به استناد قول آقای مهران، استاندار یلوچستان اعلام کرد که چون افغانها به جای اینکه در موقع سیل و طغیان آب، دریچه‌های سدها را مسدود و آب را ذخیره کنند آنها را بالا کشیده و سیل را رها کرده تا داخل بستر رود شود در نتیجه هشت قریه از قراء سیستان هم دچار خطر و خسارت بسیار شده است.^(۸۱)

موضوع خسارات وارده به اراضی کشاورزی افغانستان، توسط مقامات ذیربط ایرانی مورد بررسی قرار گرفت و در نتیجه در اوایل تیر همان سال وزیر کشور، اعلم طی نامه‌ای به نخست‌وزیر، علاء نوشت: موضوع طغیان هیرمند و خسارتی که به اهالی چخانسور افغانستان وارد آمده و ادعای جراید افغان که بسته شدن سدهای سیستان موجب خسارت اهالی چخانسور شده و گزارش جناب آقای مهران مشعر بر اینکه باز و بسته شدن دریچه‌های سد آب، از طرف افغانستان باعث خسارت ایران می‌شود، هر دو صحیح است زیرا وجود سدهای ریگ و سیستان در خاک ایران موجب شده که نهر مشترک پریان گود گردد و در دست گرفتن آب به وسیله افغانها باعث شده است که هر وقت آب زیادی دارند به طرف ایران سرازیر سازند و این عمل طبعاً تولید خسارت می‌کند. چون آب در پریان که فعلاً گود افتاده جریان پیدا نمی‌کند و طبعاً به چخانسور افغانستان می‌رسد.

به نظر بنده باید اولاً چنانچه در هیأت دولت مذاکره شد، وزارت امور خارجه و هیأت مأمور امور مذاکره به فوریت مذاکره نماید که افغانها موافقت کنند سطح پریان و سطح جریان آب به وسیله دولت ایران تثبیت گردد که به نفع طرفین است و گزارش و مستدرجات جراید افغانستان هم باید مستنداً باشد. ثانیاً گزارش تعقیب شود که انشاءالله اختلاف هیرمند به نتیجه برسد. (۸۱)

در نیمه دوم ۱۳۳۵ تحرک جدیدی از سوی دولت ایران در رابطه با عمران سیستان آغاز شد. براساس تصویب نامه دولت هیأتی برای تأمین حقوق دولت ایران از رود هیرمند و بررسی و اصلاح آبیاری سیستان تعیین شده و به زودی شروع به اقدام خواهد نمود. (۸۲) در رابطه با وظایف هیأت، وزیر کشاورزی در مجلس شورای ملی (خرداد ۱۳۳۶) اعلام کرد: قرار شد کلیه اعتباراتی که برای عمران سیستان در سازمانهای مختلف دولت هست در یک جا متمرکز بشود و یک سازمان مأمور بشود تا علاوه بر این که شبکه آبیاری آنجا را منظم می‌کند، اقدامات دیگری هم برای بهبود زراعت آنجا بکند. اطراف رود هیرمند را هم سد بندی بکند و هر جا لازم باشد حتی سد بتونی ببندند تا از این طغیان و از این پراکندگی آب در اراضی زراعتی جلوگیری بشود. (۸۳)

ولی تشکیل این هیأت نیز بی‌ثمر بود، بگونه‌ای که در آذر ۱۳۳۶ دولت مجبور شد به دلیل صدماتی که از بی‌آبی در گذشته و لطماتی که اخیراً به علت سیل زدگی به زابل وارد شده، مقداری از اراضی و عرصه اعیانی‌های خالصه واقع در داخل شهر را به رایگان به شهرداری واگذار کند تا با مقدماتی که قبلاً فراهم شده است، به انجام لوله کشی آب مشروب شهر مبادرت گردد. (۸۴)

چندی بعد نیز در اسفند ۱۳۳۷ در متن سندی که با عنوان احتیاجات مرزی ایران تنظیم شده و در مورد تمامی مرزهای خشکی ایران است، در ذیل عنوان مرز افغانستان، اشاره‌ای به هیرمند نشده است، ولی در ذیل عنوان مرز پاکستان چنین عبارتی وجود دارد: احداث سد دهانه پریان (نام ایرانی شاخه‌ای از رود هیرمند در منطقه سیستان) در زابل و ایجاد ذخیره آب از سیلاب‌های سیستان. (۸۵)

بدین ترتیب اقدامات ایران برای بهسازی شبکه آبیاری سیستان عملاً با شکست مواجه شد. در وجه خارجی، پس از شکست دور دوم مذاکرات ایران با افغانستان در واشنگتن یک

● آب هیرمند؛ منافع ملی در قربانگاه روابط منطقه‌ای (۱۳۳۰-۵۱ ش)

کمیسیون دائمی در وزارت خارجه تشکیل شد که تمام امور مربوط به هیرمند و افغانستان در آن کمیسیون مورد رسیدگی دقیق واقع می‌شد. این کمیسیون در آبان ۱۳۳۶ هجری قمری تشکیل جلسه می‌داد.^(۸۶) در شهریور ۱۳۳۷ دولت ایران پیشنهادی جهت حل موضوع هیرمند از طریق گفتگوی دوجانبه به افغانستان ارائه کرد. متعاقباً در بهمن همان سال سفیر افغانستان در لندن در سفری به ایران، براساس رأی کمیسیون دلتا مبنی بر اینکه حقایق سیستم به میزان ۲۲ متر مکعب در ثانیه برای پنج سال مورد آزمایش قرار گیرد، به دولت ایران پیشنهادی داد و ضمناً افزود: دولت افغانستان با افزایش میزان سهم ایران از ۲۲ متر مکعب در ثانیه به ۲۶ متر مکعب در ثانیه موافقت کرده است.^(۸۷)

مذاکرات دوجانبه اسفند ۱۳۳۸

مذاکرات در سال ۱۳۳۸ ادامه یافت و دورنمایی آن در ۲۸ و ۲۹ اسفند همان سال در کابل با حضور هیأت ایرانی و سردار داوود خان، صدراعظم افغانستان انجام شد. خوشبختانه گزارش دقیقی از نتیجه این مذاکرات وجود دارد.^(۸۸) در مذاکرات، هیأت افغانی موارد ذیل را عنوان کرد:

۱. گزارش مک ماهون را دولت ایران قبول نکرده است ولی دولت افغانستان حاضر بود بپذیرد.
۲. پیشنهاد تشکیل هیأت فنی سه نفری^(۸۹) از طرف دولت ایران داده شده بود و دستورالعمل هیأت هم با توافق طرفین تعیین شد و چون هیأت کارشناسان فنی درجه اول بوده‌اند، بنابراین دولت افغانستان توصیه آنها را قبول کرده است.
۳. دولت افغانستان نمی‌تواند بیش از آنچه که هیأت فنی توصیه کرده سهمی برای ایران قائل شود، زیرا آب رودخانه هیرمند متعلق به ملت افغانستان است و اگر بیش از آنچه هیأت توصیه کرده، قائل شود مورد سرزنش ملت قرار خواهد گرفت. ۴ متر مکعب هم که برحسب امر اعلیحضرت پادشاه افغانستان به عنوان نشانه حسن نیت افزوده شده به خاطر پیام اعلیحضرت همایون شاهنشاه ایران می‌باشد و حکومت افغانستان موافق نبود.
۴. دولت افغانستان اطمینان قطعی دارد که میزان آب تعیین شده توسط هیأت فنی برای آبیاری سطح زیر کشت فعلی سیستان کاملاً کافی است و در ظرف دو سال آینده در منطقه چخانسور که مشابه و مجاور سیستان است ثابت خواهند کرد که این مقدار آب برای این مقدار سطح کشت با

روش‌های متداول محلی کافی خواهد بود.

۵. در اثر ساختمان‌های جدید و آبیاری منطقه چخانسور مقداری آب به صورت آب اضافی برگشتی^(۹۱) به طرف ایران خواهد آمد که قابل استفاده خواهد بود.

با توجه به این موارد، هیأت افغانی برای حل مشکل آب هیرمند چنین پیشنهاد کرد:

پیشنهاد اول: قرارداد قطعی و نهایی برای ۲۶ متر مکعب در ثانیه به طور متوسط منعقد شود. در این قرارداد دولت افغانستان برای اثبات حسن نیت خود حاضر است اشاره کند که در صورتی که آبهای جمع‌آوری شده در افغانستان در اثر سدسازی‌ها زیاد بر مصرف آنها باشد، در اختیار دولت ایران گذارد و هر مقدار آب اضافی برگشتی هم که در اثر آبیاری خطه چخانسور به دست آید، سهم ایران خواهد بود.

پیشنهاد دوم: قرارداد موقت براساس ۲۲ متر مکعب در ثانیه به طور متوسط (توصیه هیأت فنی سه نفره - کمیسیون بی طرف هیرمند) منعقد شود تا در آینده توافق نهایی به عمل آید. پیشنهاد سوم: کمیسیون رسیدگی به گزارش هیأت فنی سه نفری که در ۱۹۵۵ در واشنگتن تشکیل شده بود و مذاکرات آنان معوق مانده دوباره در واشنگتن تشکیل شود و مذاکرات خود را ادامه دهد تا توافق حاصل شود.

پاسخ هیأت ایرانی نیز بر همان منوال اظهارات هیأت افغانی بود. هیأت ایرانی در آغاز نظرات خود را در مورد آب هیرمند، در پنج بند ارائه کرد:

۱. مایل هستیم این اختلاف که ۹۰ سال است ادامه دارد، هر چه زودتر فیصله یابد.
۲. حقایق‌ای جز آنچه که برای سطح زیرکشت فعلی لازم است نمی‌خواهیم، ولی چون محاسبات هیأت فنی را - که مدت بسیار کوتاهی در محل گذرانده‌اند - کافی نمی‌دانیم لذا پیشنهاد می‌کنیم باز هیأت مشترک در محل مدت سه تا پنج سال بررسی کند و مقدار آب مورد نیاز سیستان را تعیین نماید. بعد از این مدت قرارداد نهایی مبنی بر مقدار آب مورد لزوم منعقد شود و یا دولت افغانستان هیأتی را تعیین کند که آب لازم را برای اراضی سیستان تأمین نماید.
۳. زمینهای که از بند گشتاسب (در محل بندکمال خان) آبیاری می‌شده و مدتها به واسطه شکستن آن سد لم یزرع شده، حقایق‌ای دارد که نبایستی آن را نادیده گرفت.
۴. آب اضافی برگشتی که از آن صحبت شد، اولاً در سالهای اول مقدارش بسیار ناچیز است که

آب هیرمند؛ منافع ملی در قربانگاه روابط منطقه‌ای (۵۱-۱۳۳۰ ش) ●

قابل توجه نیست، در ثانی کیفیت آن تغییر کرده زیرا مقدار زیادی املاح در برخواهد داشت که برای زمین و زراعت مفید نخواهد بود.

۵. گزارش مک ماهون را از نظر اختلافات مرزی وارد ندانستیم، و الاً از نظر فنی کاملتر است زیرا مک ماهون مدت سه سال با یک هیأت ۱۵۰۰ نفری در محل مطالعه و بررسی به عمل آورده و این گزارش را تهیه کرده است.

با توجه به این موارد، هیأت ایرانی پیشنهادهای متقابل خود را به این شرح اعلام کرد: پیشنهاد اول: با تجدید کمیسیون ۱۹۵۵ در واشنگتن به شرحی که هیأت افغانی پیشنهاد کردند، موافقت می‌شود مشروط بر اینکه هیأتی مرکب از کارشناسان ایرانی و افغانی و بانک بین‌المللی تعیین شود که به سیستم برود و برای کمیسیون منعقد در واشنگتن اطلاعات لازم را جمع‌آوری کند.

پیشنهاد دوم: هیأتی مرکب از کارشناسان ایرانی و افغانی و بانک بین‌المللی تعیین گردد که به سیستم بروند و مدت سه تا پنج سال اطلاعات مربوط به میزان آب مورد لزوم ایران و اطلاعات لازمه دیگر را جمع‌آوری نمایند و قرارداد دائمی براساس میزان آب مورد لزومی که بر اثر این تحقیقات و اطلاعات به دست می‌آید، بسته شود.

پیشنهاد سوم: قرارداد دائمی براساس ۳۵ متر مکعب آب در ثانیه منعقد گردد.

پیشنهاد چهارم: نظر به اینکه آقای لودین، سفیر کبیر افغانستان در لندن در مذاکرات خود گفته بود که در آتیه بر اثر ساختمان‌ها و طریقه آبیاری ممکن است در حدود ۱۰ متر مکعب آب در ثانیه به شکل آب اضافی برگشتی عاید ایران شود، پیشنهاد گردید فعلاً قرارداد موقتی براساس ۴۰ متر مکعب آب بسته شود و بعداً هنگامی که معلوم شد چه مقدار آب به شکل آب اضافی برگشتی به ایران می‌رسد در میزان آب تجدیدنظر به عمل آمده و قرارداد دائمی بسته شود.

بدیهی است هیچ یک از پیشنهادهای طرف ایرانی مورد قبول افغانها قرار نگرفت و نسبت به پیشنهادهای خودشان دایره بستن قرارداد موقت براساس ۲۲ متر مکعب یا انعقاد قرارداد دائم براساس ۲۶ متر مکعب پافشار می‌کردند. بدین ترتیب مذاکرات در بن بست قرار گرفت و طرفین حتی نتوانستند بر روی متن اعلامیه مشترک توافق نمایند.

گزارش نهایی مذاکرات سال ۱۳۳۸

در گزارش نهایی - که به مقامات ایرانی ارائه شد - هیأت ایرانی شرکت‌کننده در مذاکرات، نظرات خود را در سه بخش به شرح زیر بیان کرد:

دعای ایران

۱. حقایق ایران براساس مصارف سنواتی: الف) برای سطح کشت فعلی: ۶۲۳۷۰ هکتار؛ ب) برای اراضی که در اثر کمبود آب به صورت اراضی بایر و شنزار در آمده‌اند، ولی در سالهای پیشین زیر کشت بوده‌اند.

۲. حقوق ایران نسبت به سیلاب‌هایی که در نتیجه ساختن سدها در افغانستان جمع‌آوری می‌شود و در نتیجه پایین رفتن سطح دریاچه هامون به نزارها و چراگاههای طبیعی اطراف آن خسارت وارد می‌شود.

خلاصه اقدامات مهمی که تا به حال شده

میزان آب بابت حقایق و حقوق ایران، طبق حکمیت مک ماهون، یک ثلث آبی که به بند کمان خان می‌رسیده تعیین شده که براساس اندازه‌گیری‌های سه ساله و مطالعات قبلی ۲/۲۱ میلیارد متر مکعب در سال و یا به طور متوسط ۷۰/۵ متر مکعب در ثانیه می‌شود. در سال ۱۳۱۵ طبق قرارداد موقت - که به امضای طرفین رسید - بنای تقسیم آب در بند کمال خان بالمناصفه بین طرفین گذاشته شد. در سال ۱۹۵۰ کمیسیون فنی سه نفری حق تقدم آب مصرفی سیستان را سال ۱۹۵۰ دانسته و گرچه قبول کرده آبی که به ایران می‌رسیده، باید برسد ولی اعداد مک ماهون را نپذیرفته است و مقدار آب لازم برای سیستان را ۰/۶۴ میلیارد متر مکعب در سال یعنی به طور متوسط (۲۲) متر مکعب در ثانیه تعیین کرده است.

نتیجه و روش آینده دولت ایران

۱. در میزان سطح کشت فعلی ۶۲۳۷۰ هکتار با افغانها توافق حاصل است. ولی نسبت به آب مورد لزوم برای این مقدار اراضی اختلاف در بین است. کمیسیون فنی سه نفری مقدار آب لازم را به طور متوسط ۲۲ متر مکعب در ثانیه تعیین کرده که دولت افغانستان پذیرفته است. تقاضای ایران بیش از این مقدار است ولی به طور دقیق محاسبه نشده، بنابراین قدم اول برای دولت ایران آن است که توسط کارشناسان زبده داخلی و خارجی مقدار قطعی آب مورد لزوم

● آب هیرمند؛ منافع ملی در تریانگه روابط منطقه‌ای (۵۱-۱۳۳۰ ش)

برای این مقدار سطح کشت را با روش‌های آبیاری محلی فعلی تعیین و مشخص نماید. نتیجه این مطالعه هر چه باشد بایستی برای بدست آوردن آن ایستادگی کرد.

این اقدامات بایستی سریعاً انجام گیرد چه زمان به نفع افغانستان و به ضرر ایران است. هر قدر زمان بگذرد و آنها تأسیسات آبیاری بیشتری بوجود آورند خواه ناخواه در هر مرجع بین‌المللی حقیقه‌ای برای آن تأسیسات ادعا خواهند کرد. فی‌المثل هیأت فنی سه نفری، تاریخ تقدم را برای ایران سال ۱۹۵۰ تعیین کرده است ولی بعید نخواهد بود که اگر اقدامی نشود هیأت‌های بعدی تاریخ تقدم را ۱۹۵۵ و یا بعدتر تعیین کنند که به ضرر ایران خواهد بود.

۲. نسبت به اراضی که قبلاً زیر کشت بوده ولی دهها سال است که به واسطه شکستن سدها بی‌استفاده مانده و به صورت بایر و شنزار در آمده، بایستی هیأت بین‌المللی قضاوت کند که چه مقدار حقیقه ایران خواهد بود.

۳. نسبت به حقوق ایران درباره سیلابها نیز هیأت بین‌المللی مذکور در بند ۲ می‌تواند قضاوت کند.

اگر دولت افغانستان به اجرای این راهها تن در ندهد دراستیفای حقوق ایران باید از طریق دیوان دادگستری بین‌المللی و یا شورای امنیت اقدام به عمل آید.

آغاز دوره رکود در مذاکرات

شکست مذاکرات دوجانبه کابل به معنای پایان یک دوره تلاش و کوشش برای حل مشکل آب هیرمند بود. از آن زمان به بعد به مدت حداقل نه سال هیچگونه تلاش جدی بین دولتهای ایران و افغانستان در این زمینه انجام نگرفت. ولی باوجود این موضوع، واقعیت آب هیرمند، طغیان، خشکسالی و دیگر مشکلات موجود، هر سال خود را به رخ مقامات دولت ایران می‌کشد. در این رابطه مناسب است مروری بر گزارشهای موجود از وضعیت کشاورزی و آبیاری سیستان در سالهای ۴۴-۱۳۳۹ - که توسط مقامات محلی استان تنظیم شده است - داشته باشیم:

گزارش امور کشاورزی استان سیستان و بلوچستان

سه ماهه چهارم ۱۳۳۹: اراضی اطراف استعداد کافی جهت امور کشاورزی دارند و به

طور کلی در اثر توجه اداره کل کشاورزی در قسمت‌های مختلف این استان در امر آبیاری و کشاورزی و دامپروری بهبودی نسبی مشاهده می‌شود.^(۹۱)

سه ماهه دوم ۱۳۴۰ (استان): در اثر توجه اداره کل کشاورزی در قسمت‌های مختلف این استان در امر آبیاری و کشاورزی و دامپروری بهبودی نسبی مشاهده می‌شود. وضع محصول امسال خوب بوده است.^(۹۲)

سه ماهه سوم ۱۳۴۰ (استان): در اثر کمبود آب رود هیرمند زراعت به موقع و به قدر کافی کشت نشده و زارعان از این بابت نگران و نسبت به آینده خود بیمناک می‌باشند. در مهر و نیمه اول آبان آب رود هیرمند ۴ متر مکعب بوده و در ۱۹ آبان به ۱۴ متر مکعب در ثانیه افزایش یافت. در ۲۳ آبان بنا به دعوت فرماندار زابل و بنا به اطلاع استانداری و مرکز، مرزبان افغانستان به زابل وارد و تا ۱۶ آبان توقف داشته و با مذاکراتی که به عمل آمد در اواخر آبان آب به ۱۸ متر مکعب در ثانیه و حدود پانزده روز است به ۴۰ متر مکعب در ثانیه و سه روز است به ۷۰ متر مکعب در ثانیه افزایش یافته و اغلب از سد زهک سرازیر و به دریاچه هامون می‌ریزد. زارعان اکثراً مشغول کشت هستند.^(۹۳)

سه ماهه چهارم ۱۳۴۱ (استان): به واسطه خشکسالی و نیامدن باران در چند سال اخیر وضع برداشت محصول بسیار بد و اغنام و احشام تلف گردیده است.^(۹۴) در ۲۸ اسفند همان سال صد و چهل خانواده باقیمانده گاوآران ایرانی مقیم منطقه چخانسونور از طریق زابل به خاک ایران بازگشتند.^(۹۵)

سه ماهه اول ۱۳۴۲ (زابل): وضع برداشت محصول سال جاری خوب و نسبتاً رضایت‌بخش بوده است.^(۹۶)

سه ماهه اول و دوم ۱۳۴۲ (استان): وضع محصول در نتیجه بارندگی از سالهای قبل بهتر است و اگر قنواتی احداث و زمین‌های بایر را بین افراد تقسیم نمایند، وضع اجتماعی این منطقه بسیار مفید خواهد بود.^(۹۷)

گزارش شهربانی زابل، ۱۰ تیر ۱۳۴۲: اکنون که دریاچه هامون خشک گردیده، کار ساختمان جاده مشهد به زابل از طریق سرنگ به آسانی میسر است.^(۹۸)

سه ماهه سوم ۱۳۴۴ (زابل): با تحولاتی که در اثر تهیه پروژه‌های مفید و راهنمایی‌های مروّجان

● آب هیرمند؛ منافع ملی در قربانگاه روابط منطقه‌ای (۵۱-۱۳۳۰ ش)

کشاورزی در امر کشاورزی این منطقه به عمل آمده وضع کشاورزی خوب و در صورتی که وضع آبیاری نیز بهبود یابد اوضاع بهتر پیش‌بینی می‌شود.^(۹۹)

سه ماهه سوم ۱۳۴۴ (استان): وضع کشاورزی سیستان بهتر از سالهای گذشته پیش‌بینی می‌شد ولی در اول سال جاری به واسطه طغیان رود هیرمند مزارع وسیعی را در سیستان آب گرفته و خسارات زیادی به کشاورزان وارد ساخت. بطور کلی در صورتی که وسایل مدرن کشاورزی در اختیار کشاورزان گذاشته شود و برای تأمین آب این منطقه طرح‌های لازم به موقع اجرا در آید، وضع کشاورزی این استان خیلی خوب خواهد شد.^(۱۰۰)

از اواسط دهه ۱۳۴۰، دولت ایران تلاش وسیعی را برای ایجاد ارتباط با افغانستان برای حضور در آن کشور انجام داد. در اردیبهشت ۱۳۴۶ جمعیت شیر و خورشید سرخ ایران هنگام وقوع سیل در افغانستان، ۳۰۰ چادر بزرگ و ۲۴ تن لوازم امدادی به سیل‌زدگان افغانستان کمک کرد. یک سال بعد در خرداد ۱۳۴۷ محمدرضا پهلوی در جلسه شورای عالی اقتصاد کشور اعلام کرد: راه شوسه را تا مرز خراسان ادامه دهید. در مورد راه آهن زاهدان هم اقدام کنید که به یکی از راههای سراسری افغانستان متصل شود ما برای نجات افغانستان از اختناق بازرگانی هر کاری که بتوانیم باید انجام دهیم. راه مشهد به مرز از یک طرف و راه آهن زابل به شاهراه افغانستان از طرف دیگر می‌تواند تا حدودی مشکل آنها را مرتفع سازد و افغانستان را به وسیله راه اخیر به بندرعباس متصل نماید.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

رتال جامع علوم انسانی

شروع دور جدید مذاکرات

چند ماه بعد در اواخر شهریور ۱۳۴۷، نوراحمد اعتمادی، صدراعظم افغانستان به تهران سفر کرد. در طی این سفر دو طرف تصمیم گرفتند طرح موافقتنامه‌ای از جانب افغانستان تهیه و به دولت ایران تسلیم شود. متعاقباً طرح مورد نظر تهیه و توسط محمود فروغی، سفیر ایران در کابل به دولت ایران تسلیم شد. به فاصله کوتاهی در آبان ۱۳۴۷ هویدا، نخست‌وزیر به اتفاق وزیران آب و برق، آموزش و پرورش و معاون سیاسی وزارت امور خارجه برای مذاکره با مقامات دولت افغانستان وارد کابل شدند. در این سفر ایران تلاش کرد تضمینی بدست آورد که به موجب آن افغانستان سیلاب‌های طبیعی رود هیرمند را از مسیر اصلی خود منحرف ساخته و

اجازه دهد ایران هم به سهم خود از این سیلاب‌ها منتفع شود.^(۱۱۱)

این مذاکرات بدون دستیابی به نتیجه مشخصی به صورت پراکنده ادامه یافت. ولی در سیستان بحران آب غوغا می‌کرد. ابعاد این بحران بگونه‌ای بود که در دی ۱۳۴۸ تعدادی از مقامات عالی‌رتبه کشور مستقیماً به منطقه سفر کردند ولی چه سود که بحران نه تنها کاهش نیافت بلکه دائماً به ابعاد آن اضافه شد، بگونه‌ای که آقای پردلی در جلسه اول دی مجلس شورای ملی از حیف و میل شدن میلیون‌ها تومان به اسم آبرسانی در سیستان یاد کرد و اعلام کرد امروز خرابی سیستان بدتر از گذشته شده است.^(۱۱۲)

سه ماه بعد امان‌الله ریگی هم در مجلس شورای ملی اعلام کرد: در ایرانشهر امسال فقط ۹ میلیمتر باران باریده. شهرستان سیستان نیز امسال به واسطه خشکسالی وضع بهتری ندارد. سیستان غیر از آب رود هیرمند هیچ‌گونه منبع آب سطحی یا عمقی دیگری ندارد ولی متأسفانه آب این رودخانه - که در سالهای اخیر بسیار کم شده است - چندی پیش برای مدتی بکلی خشک شد، بگونه‌ای که حتی آب آشامیدنی مردم به وسیلهٔ تانکر از زاهدان تأمین شد. سیستان قریب هشتاد هزار هکتار زمین مزروعی داشته است که تدریجاً به واسطه کم‌آبی این مقدار به ۲۵ هزار تقلیل یافت و امسال کشاورزان فقط ۸ هزار هکتار کشت کرده‌اند که آن هم به واسطه قطع آب بکلی در خطر نابودی قرار دارد... دولت باید برای دویست هزار نفر مردم سیستان که در خطر کوچ عمومی و ترک مأوا و مسکن خود هستند اقدامات مجذاته‌ای انجام دهد و فکری بکند که آسایش مردم فراهم گردد.^(۱۱۳)

در گزارش رسمی سه ماههٔ چهارم ۱۳۵۰ نیز وضعیت سیستان چنین توصیف شده است: زراعت سیستان در سال گذشته به علت نبودن آب کافی در رود هیرمند و عدم بارندگی وضع اسفناکی داشته بگونه‌ای که مردم حتی از لحاظ آب آشامیدنی در تنگنا بوده و به همین علت شمار زیادی از مردم، زایل را ترک و به طرف مشهد و گرگان مهاجرت نمودند.^(۱۱۴)

به دنبال شدت یافتن بحران، دولت افغانستان در خرداد ۱۳۵۱ از ایران دعوت نمود هیأتی جهت مشاهدهٔ چگونگی کمبود آب هیرمند و اقدامات فوری که باید انجام شود به آن کشور اعزام نماید. لذا در شهریور همان سال هیأتی مرکب از مقامات وزارت امورخارجه و وزارت آب و برق به افغانستان سفر کردند و نخستین دور مذاکرات را در مورد آب هیرمند انجام

● آب هیرمند؛ منافع ملی در قربانگاه روابط منطقه‌ای (۵۱-۱۳۳۰ ش)

دادند. دور بعدی مذاکرات نیز در ۳۰ بهمن ۱۳۵۱ با حضور صفی اصفیاء، وزیر مشاور و معاون نخست‌وزیر در امور عمرانی و اقتصادی در کابل آغاز شد.^(۱۰۵) سرانجام در ۲۱ اسفند همان سال هویدا، نخست‌وزیر ایران به دعوت محمد موسی شفیق، صدراعظم افغانستان وارد کابل شد و مذاکرات نهایی پیرامون موافقتنامه آب هیرمند انجام شد. این مذاکرات در ۲۲ اسفند ۱۳۵۱ به امضای موافقتنامه و دو پروتکل ضمیمه آن در مورد آب هیرمند بین هویدا و محمد موسی شفیق انجامید. پروتکل‌های ضمیمه ناظر بر شرح وظایف کمیسیون تقسیم آب و چگونگی حل اختلاف از طریق حکمیت بودند.^(۱۰۶)

مطبوعات افغانستان در طی حضور هیأت ایرانی در کابل تبلیغات وسیعی را در مورد موافقتنامه انجام دادند.^(۱۰۷) ولی در ایران همزمان با امضای موافقتنامه، سیستان باز هم در وضعیت بحرانی قرار داشت. در گزارش مفصلی - که در بهمن ۱۳۵۱ از سیستان تهیه شد - این عبارات وجود دارد: سیستان تشنه اصلاحات بیشتر و سریعتر است. سیستان سرزمین دلاور و زادگاه رستم همچون گنجینه‌ای با ارزش در کنار کشور ما رو به احتضار است. راه سیستان به صورت قتلگاه درآمده. از برق شهر فقط اسمی باقی مانده و حتی سازمانهای دولتی نیز در خاموشی مطلق به سر می‌برند.^(۱۰۸)

در چنین شرایطی، موافقتنامه آب هیرمند بین ایران و افغانستان به امضاء رسید. براساس این موافقتنامه ایران تنها مجاز به برداشت ۲۲+۴ متر مکعب در ثانیه از آب هیرمند بود، که این مقدار تنها در سالهای طبیعی و پرآب هیرمند بود و گرنه در سالهای خشکسالی این میزان به نسبت مساوی کاهش می‌یافت. البته امکان فروش مقادیر دیگر آب به ایران از جانب افغانستان وجود داشت. به غیر از این، ایران قادر به هیچ‌گونه ادعایی نسبت به آب هیرمند، چه در خصوص سیلابها و چه در زمینه آب اضافی برگشتی چخانسور، نبود. طرفین بر احداث تأسیسات مشترک اندازه‌گیری آب بر روی هیرمند موافقت کردند. محل نصب تأسیسات اندازه‌گیری آب، در قسمت علیای سد کجکی قرار داشت.^(۱۰۹)

پس از امضای موافقتنامه مذکور، دولت ایران در راستای سیاست‌های پیشین خود کوشید به بهانه عمران و نوسازی حوضه سفلاهی رود هیرمند، در افغانستان نفوذ کند. اجلاس‌های کمیسیون مشترک دو کشور در سالهای بعد، گواهی بر این تلاش بی‌نتیجه است. از جمله در

بخش دوم یادداشت تفاهم دومین اجلاس کمیسیون مشترک دو کشور (مورخ ۲۴ مهر ۱۳۵۴) آمده است: حوزه هیرمند؛ به منظور اجرای طرح‌های مربوط به ماده یک پروتکل اولین اجلاس مشترک و نیز یادداشت تفاهم مورخ ۹ اردیبهشت ۱۳۵۴ دو کشور، قرار شد طرف افغانی سه هفته پس از امضای این پروتکل طرح‌های جامع مربوط به احداث سدهای ذخیره برای ذخیره آبهای سیلابی جهت توسعه کشاورزی و دامپروری و ایجاد صنایع وابسته به آن و تولید انرژی و جلوگیری از خسارات سیلابی در حوزه مشترک رود هیرمند را به طرف ایرانی تسلیم نماید تا مورد مطالعه طرف ایرانی قرار گرفته و در صورت تأیید طرفین ترتیب اعطای وام‌های مربوطه بر اساس شرایط یادداشت تفاهم فوق‌الذکر داده شود.^(۱۱)

نتیجه‌گیری

بدین ترتیب با امضای موافقتنامه آب هیرمند در اسفند ۱۳۵۱/مارس ۱۹۷۳ مباحث دو کشور پیرامون معضل دیرین و دیرپای تقسیم آب هیرمند به پایان رسید. در مجموع به نظر می‌رسد نکاتی چند در خصوص مباحث مربوط به آب رود هیرمند به شرح زیر وجود دارد: نکته اول: کلیت مباحث مربوط به آب هیرمند را می‌توان به دو دوره تقریباً مشخص از سال ۱۳۲۴ تا ۱۳۳۹ و از سال ۱۳۳۹ تا ۱۳۵۱ تقسیم کرد.

در دوره اول یعنی طی سالهای ۳۸-۱۳۲۴، مذاکرات دو طرف دستاورد بسیار مهم تغییر راه‌حل «تقسیم بالمناصفه آب» به «تحویل مقدار مشخص آب» را به همراه داشت. تعیین میزان آب تحویلی تابع عوامل گوناگونی از جمله سطح زیرکشت سیستم بود و تلاش‌های انجام شده در این دوره حول مشخص نمودن این عوامل قرار داشتند. از سوی دیگر باید پذیرفت که فضای سیاسی حاکم بر ایران طی این دوره، نقش بسیار مهمی در حالت تهاجمی ایران در طول مذاکرات دو جانبه و چندجانبه داشت. در حقیقت اوج‌گیری نهضت ملی ایران در طول سالهای مورد بحث تاثیر کاملاً مثبتی بر سیاستمداران و مقامات سیاست خارجی ایران باقی گذارد. نحوه رفتار دولت در سالهای ۳۴-۱۳۲۴، نحوه رفتار نمایندگان مجلس شورای ملی و نیز سناتورهای مجلس سنا و حتی ادبیات مورد استفاده در تهیه گزارشهای مربوط به آب هیرمند در سطوح مختلف (از گزارش استوار اخلاقی گرفته تا گزارش دکتر خوشبین) همه و همه حاکی از برتری

● آب هیرمند؛ منافع ملی در قربانگاه روابط منطقه‌ای (۱۳۳۰-۵۱ ش)

روحیه ملی‌گرایی در برخورد با موضوع آب هیرمند بود. رهاورد این نوع برخورد را می‌توان در پیشنهاد اول ارائه شده از سوی دولت افغانستان در مذاکرات اسفند ۱۳۳۸ جستجو کرد. این پیشنهاد را شاید بتوان بهترین گزینه برای ایران دانست که متأسفانه نپذیرفتن هیأت ایرانی، به از دست رفتن این فرصت انجامید. شاید بتوان خوشبینی هیأت ایرانی نسبت به تداوم اتخاذ مواضع محکمی از سوی دولت ایران در قبال آب هیرمند را علت اصلی رد پیشنهاد اول هیأت افغانی قلمداد کرد.

از حدود ۱۳۳۳/۱۹۵۴ رقابت شوروی و آمریکا در افغانستان وارد مراحل جدی شد. در این میان ایران نیز به عنوان دوست آمریکا در منطقه می‌بایست عهده‌دار نقشی در صحنه رقابت آمریکا و شوروی در افغانستان می‌شد. تلاش‌هایی که از سال ۱۳۳۴ آغاز شد، صرف‌نظر از نتایج آنها، نشانگر آغاز دگرگونی سیاست ایران در برابر افغانستان و پیرو آن آب هیرمند است. پس از شکست مذاکرات دوجانبه کابل (اسفند ۱۳۳۸) به نظر می‌رسد ایران موضوع آب هیرمند را در چارچوب روابط منطقه‌ای قرارداد که در یک سوی آن غرب به رهبری آمریکا و در سوی دیگر شرق به رهبری شوروی قرار داشت. در این چارچوب نقش ایران حفظ سرپل‌های ارتباطی غرب با افغانستان و در صورت لزوم پوششی برای حفظ نفوذ غرب و آمریکا در آن کشور برای مقابله با نفوذ شوروی در افغانستان بود. با وجود چنین نگرشی بدیهی است وقوع هرگونه درگیری و یا تنشجی بین ایران و افغانستان در نهایت به ضرر غرب و به سود شوروی پایان می‌پذیرفت. بدین ترتیب دیگر کمبود آب هیرمند، وقوع خشکسالی‌های مهیب در سیستان و... سبب اعتراضات گسترده دولت و مجلس ایران - نظیر آنچه که تا سال ۱۳۳۵ در ایران رخ داد - نمی‌شد. نتیجه طبیعی وجود چنین نگرشی، دادن امتیاز به افغانستان برای حفظ نفوذ غرب در آن کشور و مقابله با شوروی بود. از اعطای وام‌های بلاعوض یا با بهره کم به افغانستان توسط آمریکا قبلاً صحبت شد. از این دیدگاه، ایران نیز تسهیلات و امتیازاتی به افغانستان داد که مهمترین آنها کوتاه آمدن از مواضع خود در رابطه با آب هیرمند بود. در واقع ایران سرسختی در قبال آب هیرمند را به انگیزه یافتن جاپایی در افغانستان کنار گذاشت. بدین ترتیب در دوره دوم - که از ۱۳۳۹ آغاز و تا ۱۳۵۱ ادامه یافت - روابط منطقه‌ای با افغانستان برای ایران اهمیت بیشتری نسبت به بهبود وضعیت سیستان و تعیین تکلیف آب هیرمند - بگونه‌ای که منافع ایران ایجاب می‌نمود - داشت.

نکته دوم: هیچ تلاش مشخص و با برنامه‌ای جهت انجام اقدامات اساسی از سوی ایران در بهبود شبکه آبرسانی سیستان - که می‌توانست مبنای صحیحی را برای ادعاهای ایران در مذاکرات دو یا چندجانبه در مورد آب هیرمند فراهم کند - طی سالهای مورد بحث انجام نگرفت. بدیهی است تشکیل یک یا دو هیأت در این رابطه به دلیل وجود مشکلات ساختاری در سیستان، نمی‌توانست اقدام مناسبی باشد.

نکته سوم: موضوع آب هیرمند و سیستان یک موضوع پیچیده و چند بعدی است. متأسفانه طی سالهای مورد بحث، وجه اصلی تلاش‌ها در بعد خارجی تجلی یافت. در صورتی که مبنای لازم برای اتخاذ یک موضع معقول و محکم در مذاکرات دو یا چند جانبه تنها از طریق یک برنامه‌ریزی منسجم برای بهبود ساختار آبرسانی سیستان امکان‌پذیر بود. دوگانگی موجود در رفتار دولت ایران (موضع‌گیری محکم در مذاکرات خارجی و فقدان برنامه‌ریزی داخلی) نتایج وخیمی را برای ایران طی سالهای ۴۰-۱۳۳۰ به همراه داشت. این نتایج آثار خود را در دهه ۱۳۴۰ نشان داد و در نهایت به عقب‌نشینی کامل ایران از مواضع خود در موافقتنامه اسفند ۱۳۵۱ انجامید.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

پی‌نوشت‌ها

۱. متن کامل گزارش دکتر خوشبین در اسناد وزارت امور خارجه، پرونده شماره ۲۷-۱۶-۱۳۳۱ وجود دارد.
۲. پیشین، ص ۱.
۳. پیشین، ص ۶.
۴. هر آکر برابر با ۴۳۵۶۰ پای مربع و هر پا برابر با $۳۰/۴۸$ سانتی‌متر.
۵. پیشین، ص ۹-۱۰.
۶. پیشین، ص ۱۲-۱۳.
۷. پیشین، ص ۱۳.
۸. منظور گزارشی است که توسط مهندسان بنگاه آبیاری ایران تهیه شده بود.
۹. اسناد وزارت امور خارجه، پیشین، ص ۱۳.
۱۰. پیشین، ص ۱-۲.
۱۱. پیشین، ص ۶.
۱۲. پیشین، ص ۷.
۱۳. پیشین، ص ۸.
۱۴. پیشین، ص ۲.
۱۵. پیشین
۱۶. پیشین، ص ۸-۹.
۱۷. پیشین، ص ۴.
۱۸. پیشین، ص ۹.
۱۹. پیشین، ص ۵-۶.
۲۰. یادآوری می‌شود در آن زمان در اوج مبارزات ملی‌شدن صنعت نفت، دولت ایران با آراء مراجع بین‌المللی در این زمینه گاهی دچار مشکلاتی می‌شد.
۲۱. اسناد وزارت امور خارجه، پیشین.
۲۲. پیشین.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

۲۳. پیشین.

۲۴. پیشین.

۲۵. پیشین.

۲۶. در مجموعه حاضر؛ فهرست مزبور وجود نداشت.

۲۷. اسناد وزارت امور خارجه، پیشین.

۲۸. پیشین.

۲۹. نقشه مزبور در مجموعه اسناد مورد رجوع وجود نداشت.

۳۰. اسناد وزارت امور خارجه، پیشین.

۳۱. پیشین.

۳۲. پیشین.

۳۳. پیشین، ص ۱۶-۱۷.

۳۴. پیشین، ص ۱۸-۱۹.

۳۵. پیشین، ص ۱۹-۲۰.

۳۶. اسناد وزارت امور خارجه، پرونده شماره ۱۶-۹-۱۳۳۳.

۳۷. پیشین، پرونده شماره ۱۶-۵-۱۳۳۳.

۳۸. پیشین.

۳۹. سازمان اسناد ملی ایران، سند شماره ۷-۵۵۶-۵-۲۹۰.

۴۰. پیشین، سند شماره ۶-۵۵۶-۵-۲۹۰. و نکته عبرت‌انگیز اینکه در همان هنگام رئیس شرکت موربسون نودسون، مجری شبکه آبرسانی هیرمند در افغانستان، وارد ایران شده و کار احداث سد بر روی رودخانه کرج به آن شرکت واگذار شد.

۴۱. روزنامه رسمی کشور شاهنشاهی ایران، ش ۲۶۹۱، ۱۹ اردیبهشت ۱۳۳۳، ص ۲.

۴۲. پیشین.

۴۳. پیشین.

۴۴. هفته‌نامه بیداری قهستان، ش ۶۵، س ۲، ۲۰ اردیبهشت ۱۳۳۳، ص او ۴.

۴۵. پیشین، ص ۴.

● آب هیرمند؛ منافع ملی در قریانگاہ روابط منطقه‌ای (۱۳۳۰-۵۱) ش

۴۶. روزنامه کیهان، ش ۳۲۸۵، ۲۹ اردیبهشت ۱۳۳۳، ص ۱.
۴۷. پیشین، ص ۲.
۴۸. روزنامه رسمی کشور شاهنشاهی ایران، ش ۲۷۱۲، ۱۶ خرداد ۱۳۳۳، ص ۱-۲.
۴۹. پیشین.
۵۰. روزنامه پست تهران، ش ۲۷۵، ۲۱ خرداد ۱۳۳۳، ص ۱.
۵۱. روزنامه رسمی کشور شاهنشاهی ایران، ش ۲۷۲۶، اول تیر ۱۳۳۳، ص ۵.
۵۲. اسناد وزارت امور خارجه، همانجا.
۵۳. پیشین.
۵۴. پیشین.
۵۵. پیشین.
۵۶. پیشین.
۵۷. روزنامه رسمی کشور شاهنشاهی ایران، ش ۲۸۲۸، ۵ آبان ۱۳۳۳، ص ۵.
۵۸. پیشین، ص ۶.
۵۹. پیشین، ش ۲۸۲۹، ۶ آبان ۱۳۳۳، ص ۳.
۶۰. پیشین، ص ۴. ضمناً در همان جلسه سناتور لسانی نیز خبر از وجود آرشیو بسیار مفصل مشتمل بر چندین کارتن اسناد درباره مذاکرات ایران و افغانستان در مورد هیرمند، در وزارت امور خارجه ایران می‌دهد.
۶۱. پیشین، ش ۲۸۹۵، ۲۵ دی ۱۳۳۳، ص ۴.
۶۲. پیشین، ش ۲۹۹۶، ۴ خرداد ۱۳۳۴، ص ۴.
۶۳. پیشین، ص ۵.
۶۴. پیشین، ش ۲۹۸۲، ۱۶ اردیبهشت ۱۳۳۴، ص ۱.
۶۵. پیشین، ص ۱-۲. ضمناً یادآوری می‌شود در آن زمان تنها پل ارتباطی سیستان به بلوچستان (پل لهراب) بر اثر سیل سال ۱۳۲۹ کاملاً نابود شده بود و رفت و آمد به هنگام کمی آب از بستر رودخانه انجام می‌گرفت. نک:
- روزنامه مذاکرات مجلس سنا، ۲۸ تیر ۱۳۳۴، ص ۳.
۶۶. روزنامه مذاکرات مجلس سنا، ۱۹ اردیبهشت ۱۳۳۴، ص ۱.
۶۷. روزنامه رسمی کشور شاهنشاهی ایران، ش ۲۹۹۶، ۴ خرداد ۱۳۳۴، ص ۴.

۶۸. پیشین، ص ۵.
۶۹. منظور کنفرانسی است که به دعوت نخست‌وزیران اندونزی، برمه، پاکستان، سیلان و هندوستان با حضور نمایندگان ۲۴ کشور افریقایی و آسیایی در باندونگ اندونزی از ۱۸ تا ۲۷ آوریل ۱۹۵۵ برگزار شد.
۷۰. روزنامه رسمی کشور شاهنشاهی ایران، همانجا.
۷۱. پیشین.
۷۲. روزنامه مذاکرات مجلس سنا، ۱۴ تیر ۱۳۳۴، ص ۱.
۷۳. از آن جمله می‌توان به سخنان مؤید ثابتهی در جلسه ۹ مهر ۱۳۳۴ مجلس سنا اشاره کرد. نک: روزنامه رسمی کشور شاهنشاهی ایران، ش ۳۱۲۲، ۶ آبان ۱۳۳۴، ص ۳.
۷۴. ع. حاجیان، نگرشی بر تاریخ دیپلماسی افغانستان، در مجموعه مقالات پیرامون افغانستان، مرکز تحقیقات افغانستان، تهران ۱۳۷۰، ص ۸-۹۷.
۷۵. پیشین، ص ۴-۱۷۳.
۷۶. پیشین، ص ۹۹.
۷۷. سازمان اسناد ملی ایران، سند شماره ۱-۱۳۶-۲۰۲-۲۹۰.
۷۸. پیشین، سند شماره ۳-۲۰۰-۸-۲۹۰.
۷۹. پیشین، سند شماره ۱-۵۷-۴۰۶-۲۴۰.
۸۰. پیشین، سند شماره ۱-۴۴-۸-۲۹۰.
۸۱. پیشین، سند شماره ۴-۴۴-۸-۲۹۰.
۸۲. سازمان اسناد ملی ایران، سند شماره ۲-۱۲۴-۲۶-۲۹۳.
۸۳. روزنامه رسمی کشور شاهنشاهی ایران، ش ۲۵۹۱، ۱۸ خرداد ۱۳۳۶، ص ۲.
۸۴. روزنامه مذاکرات مجلس سنا، ۲۰ آذر ۱۳۳۶، ص ۲۰.
۸۵. سازمان اسناد ملی ایران، سند شماره ۷-۱۰۴-۵-۲۹۳.
۸۶. روزنامه رسمی کشور شاهنشاهی ایران، ش ۳۷۱۶، ۲۲ آبان ۱۳۳۶، ص ۶.
۸۷. غلامرضا فخاری، اختلاف دولتین ایران و افغانستان در مورد رود هیرمند، تهران، مؤسسه چاپ و انتشارات وزارت امور خارجه، ۱۳۷۱، ص ۷۱.
۸۸. در مورد متن سند مذکور نک: ربابه حسینی، «واکنشهای مردمی نسبت به آب هیرمند»، فصلنامه گنجینه

● آب هیرمند؛ منافع ملی در قریانگاه روابط منطقه‌ای (۱۳۳۰-۵۱) ش

- استاد، سال دوم، دفتر دوم، ۱۳۷۱، ص ۵۶-۷.
۸۹. منظور کمیسیون بی‌طرف هیرمند است که سدن کارشناسان فنی بین‌المللی عضو آن بودند.
۹۰. Return Flow یا آب اضافی برگشت داده شده؛ منظور آب اضافی است که در منطقه چخان‌سور افغانستان استفاده نشده و بناچار به سمت دریاچه هامون جریان می‌یابد.
۹۱. سازمان اسناد ملی ایران، سند شماره ۱۱۹-۲۱۹-۱۳-۲۹۳.
۹۲. پیشین، سند شماره ۱۶۰-۲۱۹-۱۳-۲۹۰.
۹۳. پیشین، سند شماره ۱۶۲-۲۱۹-۱۳-۲۹۰.
۹۴. پیشین، سند شماره ۱۴۸-۲۱۹-۱۳-۲۹۰.
۹۵. استاد وزارت امور خارجه، پرونده شماره ۴-۲۱-۱۳۴۲.
۹۶. سازمان اسناد ملی ایران، سند شماره ۹۵-۲۱۹-۱۳-۲۹۰.
۹۷. پیشین، سند شماره ۱۵۵-۲۱۹-۱۳-۲۹۰؛ و سند شماره ۱۳۷-۲۱۹-۱۳-۲۹۰.
۹۸. پیشین، سند شماره ۱۴۰-۲۱۹-۱۳-۲۹۰.
۹۹. پیشین، سند شماره ۲۳-۹۶-۱۴-۲۹۰.
۱۰۰. پیشین، سند شماره ۱۴-۹۶-۱۴-۲۹۰.
۱۰۱. غلامرضا فخاری، پیشین، ص ۷۳.
۱۰۲. روزنامه مذاکرات مجلس شورای ملی، اول دی ۱۳۴۹، ص ۵.
۱۰۳. هفته‌نامه ندای زاهدان، ش ۲۸۷، اول اردیبهشت ۱۳۵۰، ص ۴.
۱۰۴. سازمان اسناد ملی ایران، سند شماره ۳۰-۹۶-۱۴-۲۹۰. مطالعات فرهنگی
۱۰۵. علاوه بر او، مهندس میر، محمداکبر، رضا والی، والی و رئیس عمومی وادی هیرمند افغانستان نیز در مذاکرات حضور داشتند.
۱۰۶. غلامرضا فخاری، پیشین، ص ۷۳.
۱۰۷. هفته‌نامه ندای زاهدان، ش ۳۸۴، ۲۶ اسفند ۱۳۵۱، ص ۸.
۱۰۸. پیشین، ش ۳۸۲، ۱۲ اسفند ۱۳۵۱، ص ۳.
۱۰۹. غلامرضا فخاری، پیشین، ص ۸۷-۷۴.
۱۱۰. تحولات روابط دولت شاهنشاهی ایران با کشورهای افغانستان، بنگلادش، پاکستان، ترکیه، سریلانکا، تبال و هند، تهران وزارت امور خارجه، اداره انتشارات و مدارک، تهران ۱۳۵۵، ص ۴۹.



پروشکاه علوم انسانی و مطالعات فرہنگی
پرتال جامع علوم انسانی